

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

قانون دارگاههای فوق العاده برای جرائم «ضد انقلاب»

اعلان جنگ به کارگران، زحمتکشان، خلقها و تمام نیروهای انقلابی است

آن جان تازه‌ای دهند و تازه به این هم
اکتفا نکنند و مواد جدیدی هم به آن
افزایند که این بار در کمال وقاحت
کارگران مبارز کشور ما آماج حمله
جدیدی قرار گرفته و حقوق اولیه
آنان یعنی حق اعتصاب، تحت عنوان
"ضد انقلاب" جرم شناخته شود خلاصه
آنکه قانونی راسم بندی کرده‌اند که
تنها رژیم سابق می‌توانست تدوین کند
بقیه در صفحه ۲

کردند که قانون به تصویب رسیده است!
آن هم قانونی که بسیاری از قوانین ضد
مردمی رژیم سابق را دوباره زنده کرده
است. قانونی که تصویب آن برای مردم
عادی در چنین شرایطی تکان دهنده
است. زیرا مردم نمی‌توانند بیاورند
کنند که هنوز ۴ ماه از قیام خونینشان
گذشته قوانین ضد مردمی رژیم سابق را
عیناً زباله‌دان تاریخ بیرون کشیده به

در روز دوشنبه ۴ تیر ناگهان و بدون
مقدمه متن قانونی در روزنامه منتشر شد
که گفته شده در شورای انقلاب به تصویب
رسیده است. اگر از هنگام قیام تاکنون
رسم بر این بود که متن لوایح قبلاً از
تصویب در شورای انقلاب در روزنامه‌ها
منتشر می‌شد که مردم اظهار نظر کنند
نظیر قانون مطبوعات، این بار بدون
رعایت چنین سنتی، به یکباره اعلام

دشمنی با
فدائیان خلق
بیانگر ماهیت
دولت است

دولتی که حامی سرمایه‌داران باشد، ناچار مخالف آگاهی و اتحاد کارگران
وزحمتکشان است، دولتی که از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان
می‌ترسد ناچار به دشمنی با نیروهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر و نیروهای
ضد امپریالیست برمی‌خیزد.

حمله موزرانه رئیس دولت به سازمان جریکهای فدائی خلق ایران، برای ما به
هیچ وجه دوزان انتظار نبود. دشمنی با آرمان کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی
هواداران آنها، دشمنی با همه نیروهای ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیست در ذات و
در سرشت همه دولت‌های مدافع سرمایه‌داری است، خصوصاً دولتی که رشد آگاهی
کارگران و زحمتکشان و نزدیکی سریع و روزافزون نیروهای انقلابی را به آنان به چشم خود
می‌بیند.

اگر در نخستین روزهای پس از قیام، هنوز بسیاری از کارگران و دهقانان ما
ماهیت دولت رانمی شناختند، اینک که نزدیک به پنج ماه از قیام می‌گذرد، دیگر
توده‌های آگاه و مبارز ایران باره دشمنی دولت را با کارگران مبارز، رهبران
اعتصابات شکرهمند صنایع نفت، تهمت و افترا و حتی شکنجه و بازداشت اعضای
سازمانهای انقلابی را دیده‌اند و بارها شاهد دفاع دولت از سرمایه‌داری وابسته،
زمینداران بزرگ، فرماندهان رژیم و کارشناسان نظامی امپریالیزم امریکا بوده‌اند
دولت روز به روز پیشینیان، خلقهای ایران را از دست می‌دهد و سازمانهای انقلابی
که قاطعانه خواستار ادامه مبارزه بر علیه سرمایه‌داری و وابسته و امپریالیزم هستند روز به روز
از حیثیت و اعتبار بیشتری برخوردار می‌شوند.

طبیعی است که در چنین شرایطی دولت به نیروهای انقلابی جنگ و دندان
نشان دهد و دشمنی خود را نسبت به این نیروها بیش از پیش آشکار کند و خلاصه با
تسلیمات ناجوانمردانه علیه این نیروها به تلاش خود برای بدبین ساختن توده‌ها
نسبت به نیروهای انقلابی بیفزاید.

اما مردم به ویژه در جریان مبارزات دوساله گذشته خود آبدیده و آگاه شده‌اند
و امروز به آسانی ماهیت کسانی را که با نیروهای انقلابی و نیروهای هوادار طبقه
بقیه در صفحه ۲



تاریخ شتاب بیشتری به خود گرفته است، رژیمهای دست نشانده یکی پس از دیگری به گور سپرده می‌شوند و با اوج گیری مبارزات آزادیبخش
سلطه امپریالیسم روز به روز به نابودی می‌رود. در اینجا دوشان از جریکهای سازنده نیست رومی بیند که در یکی از سنگرهای خیابانی آخرین
بقایای رژیم مزدور سوموزار درهم می‌کوبند.

نهادهای
شورائی
تنه راه محدودیت
اختیارات قوه مجریه

در شماره‌های قبل به مضمون قانون
اساسی که باید از انقلاب ضد امپریالیستی
و دموکراتیک مردم ایران نشأت بگیرد
پرداختیم. همچنین درباره حقوق
مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان
و آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک و شیوه
مالکیت‌ساختن گفتیم و اشکالات و کمبودها
و نواقص متن پیشنهادی "کسب در
اردیبهشت ماه در گمپهان منتشر شد و
همچنین پیش نویس قانون اساسی را بر سر
بقیه در صفحه ۵

رفقا و هموطنان مبارز
با کمک‌های مالی خود به پیشبرد
فعالیت‌های انقلابی سازمان جریکهای
فدائی خلق ایران یاری رسانید.
کمک‌هایتان را می‌توانید به حساب
جاری شماره ۳۲۰۹۸ بانک ملی شعبه
دانشگاه واریز نمود و یا به کمیته مالی
ستاد مرکزی تهران، تحویل دهید.
امور مالی سازمان

اتحادیه و اتحادیه‌سازی

می‌دانید که بخصوص در جریان
مبارزه یکی دو سال اخیر، سازمانها
و گروههای بسیاری از اعلام موجودیت
کرده‌اند و هر یک از آنها نظریات و اعتقادات
خودشان را در مورد مسائل روز کشورمان
کم و بیش انتشار داده‌اند. حال تا چه
اندازه این نظریات با واقعیت و با مسائل
و مشکلات توده‌های مردم و بخصوص
بقیه در صفحه ۱۱

سه کارگردر کوره آجرپزی سوختند

● کارفرما با دادن کمی پول می‌خواهد خود را از شر عواقب سودپرستی خود خلاص کند
سه کارگر کوره بزرگ، روز سه‌شنبه
بیت و نیم خرداد، به دلیل نبودن
وسایل ایمنی و بی تجربه‌گی در آتش
سوختند.
هنگامی که این سه کارگر کوره آجر-
پزی گیتی در شمال اصفهان - در حوالی
کوه بر خوار - به نام های مهدی
اقتداری پانزده ساله - بهرام محمد علی
۱۴ ساله و مهدی سلطانی ۴۰ ساله در کوره
مشغول جیدن آجر گرم روی نوار نقاله
بودند. آجر هار بزش کرد و در اثر سرامت
شعله آتش به آنها هر سه کارگر در آتش
سوختند.
این کارگران بخصوص مهدی
و بهرام برای کار در محوطه بیرون کوره
استخدام شده بودند نه در داخل تونل
آجر پزی و فاقد تجربه لازم برای کار در
این قسمت بوده‌اند و دولتی تحت فشار
سرپرست کوره به نام محمد غلامی که
عامل استعمار کارگران و نماینده کارفرما
است مجبور شدند داخل تونل کار کنند.
در این کارگاه که از قوانین کار در آن خبری
نیست کارگران ۱۲ ساعت در شرایط
طاقت فرسای کوره‌ها کار می‌کنند و چهل
تومان زرد می‌گیرند. اخیراً نیز در آجر
از دیاد بیکاری کارگران از ترس بیکاری
شدن به کاهش مزد خود نیز تن داده‌اند.
صاحب کوره آجر پزی به نام حاج
حسن منصوری که یک کارخانه تهیه گچ
سفید و تعداد زیادی کمبریسی برای حمل و
نقل گچ و آجر نیز دارد برای اینکه خود را
از عواقب این حادثه که در اثر نبودن
وسایل ایمنی و بی تجربه‌گی نایجان
کارگران پیش آمده رها سازد، درصدد
گرفتن رضایت از خانواده‌های ایمن
کارگران است. او توانسته با پرداخت
۲۵۰۰ تومان به همسر مهدی سلطانی این
خانواده را با پان فرزند به حال خود رها
کرده و درصدد گرفتن رضایت نامه ازدو
خانواده دیگر نیز هست.

کارگران کارخانه بیسکویت کرجی:
چرا شورای مدیریت توجهی به شورای کارگران ندارد؟

کارگران کارخانه بیسکویت سازی
کرجی (که کارزایی درباره مبارزات آنها
در شماره ۱۷ چاپ شد) طی نامه ای به
دفتر امام خمینی و روزنامه‌ها، به وضع
آشفته کارخانه و اخلاق شورای مدیریت
کارخانه اشاره کرده و می‌گویند: شورای
خواسته‌های برحق کارگران حوالب منفی
می‌دهد. کارگران در این نامه که حدود
۳۰۰ امضاء و اثر انگشت دارد، در باره
شورای نوشته‌اند:
"از جمله استخدام و اخراج
کارگران را از اختیارات نام خود می‌دانند
سهارت و تخصص افراد برای معنائی

حکومت نظامی جماق بدستها در نوشهر

زمیندارها و عناصر وابسته به رژیم
سابق که در حال حاضر میدانی برای
تحریک و آشوب پیدا کرده‌اند، اینبار
نوشهر را صحنه تاخت و تاز قرار داده و بنا
کمک عوامل جماق به دست نوعی حکومت
نظامی در شهر به وجود آورده‌اند
بطوری که چند روز افراد مبارز آزادی
خواه نمی‌توانستند آزادانه در شهر
حرکت کنند.
ماجرای اظهار اعدازیک تظاهرات
و با حمله به کتابفروشی هاویاره کردن
کتابها شروع شد. که روز ششم تیرماه با

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران سخن میگویند:

«ملی کردن بانکها»

در مورد ملی اعلام کردن بانکها و شرکتهای بیمه تعداد زیادی از رفقای ما نظرات خود را بیان داشته اند که مادر اینجا نمونه هائی از آن را ذکر می کنیم. نکته بسیار مهم در این بحث ها آگاهی بسیار بالای این رفقای کارگراست که بسیار آموخته می باشد.

کارگرو صنعت نفت:

اگر ملی کردن بانکها مثل شرکت نفت باشد که فقط اسمش ملی است و خودش ملی نیست، به درد کسی نمی خورد. ما کارگران به این تجربه رسیده ایم که شرکت ملی نفت ایران فقط اسمش ملی است، اما منافعی به جیب دیگران می رود. ما ملی شدن واقعی بانکها را خواهیم، یعنی منافعی باید ملی شود. سود استفاده اش باید مال مردم باشد. استفاده اش باید خرج مردم شود. برای ما محتوای ملی شدن مهم است. نه اسمش.

کارگر دیگ...

در جوامع سرمایه داری ملی شدن معنی دولتی شدن دارد، چون طبقه سرمایه دار، طبقه حاکم است. شنیده می شود که سرمایه های خارجی بانکها باز خرید می شوند، سهام داران داخلی هم حقشان را می گیرند. آیا بدون ملی کردن سهام سرمایه داران خارجی، یعنی مصادره اموال آنها، ملی شدن مفهومی دارد؟ نه چرا؟ برای اینکه صنایع ما وابسته است، اگر ملی کردن بانکها واقعی بود، چرا بانک را چهار ماه پیش نکردند؟ به نظرم بانکها مشکلات اقتصادی دارند یعنی چه؟ بانکها با ورشکست شده اند و با دارند می شوند.

دولت می خواهد سهام سرمایه داران را باز خرید کند، خوب، پولش را از کجا می آورد؟ این همه پول را از کجا می آورد؟ از دسترنج ما کارگران و زحمتکشانی یعنی پول از ما می گیرد می دهد به سرمایه داران خارجی که خودشان یک عمر ما را چپاول کرده اند و حالا در حال ورشکستگی هستند، تازه اسمش را هم می گذارند ملی شدن و منت هم سرمایه می گذارند. در جوامع سرمایه داری بانک کارش چاپیدن مردم است. اگر بانک می خواهد باقی بماند، بهره باید بگیرد. این بهره را کی می دهد؟ غیر از اینست که ما کارگران و زحمتکشانی می دهیم؟ اول ببینیم سرمایه این بانکها از کجا دست می آید؟ از پول مردم زحمتکش، از پول ما کارگران، از پول دهقانان پس می بینیم که سرمایه بانکها را هم ما تولید کرده ایم. بخصوص در کشورهای وابسته مثل کشور ما بانکها مثل زنجیر قطوری هستند به کردن مردم که تمام منافع را در خدمت امپریالیسم قرار می دهد.

نکته مهم ملی کردن بانکها زمانش می باشد، چرا این کار را بعد از چهار ماه کرده اند؟ در این مدت دولت به سرمایه داران و بانکها اعتبار داده است، آنها هم پولها را از مملکت خارج کرده اند، حالا بانکها خالی هستند، درست در آستانه ورشکستگی آنها اعلام می شود که بانکها ملی می شوند.

سرمایه داران پولها را برده اند و حالا باید زحمتکشانی ضررش را بدهند، از بانکها فقط میز و صندوقهای بایک سری کارمند جز آنکه آنها هم مثل ما هستند باقی مانده است که ملی می شود.

سرمایه داران پولها را برده اند و حالا فشارش به مردم است. باید برویم و دفتر دستک این بانکها را کنترل کنیم تا ببینیم مثلا فلان سرمایه دار، وزمیندار، چقدر پول خارج کرده اند.

مانی تو اینم بانک ملی شده داشته باشیم که خصوصی هم باشد. این بانکهای خصوصی هم وابسته هستند. به نظرم اینکار یک حیلۀ اقتصادی و سیاسی است، می خواهند مردم را فریب دهند. می خواهند سرشان را گرم نگه دارند. در این چهار ماه و قبل از آن بانکها از راهها خارج کرده اند. با تئوریهائی که در این مدت شده به ما خیانت شده است. مسئله، فقط ورشکستگی بانکها نیست، چرخ اقتصاد مملکت نمی چرخد.

این بانکها سرمایه مثلا ۲۰ میلیون تومان کارشان را شروع کرده اند و حالا چند برابر شده است. این پولها از کجا آمده اند؟ مال من و شما و امثال ما است. خون ما را میکشیده اند. پس دولت نباید آنها را بگوید که من پول شما را می دهم و شما می توانید دوباره به کار ساختن ادامه دهید. آنوقت اسمش را هم می گذاریم ملی کردن بانکها. اینها همه اش حیلۀ است.

برای درک مسئله ملی شدن بانکها باید از ماهیت دولت شروع کنیم، در جوامع سرمایه داری، دولت نماینده طبقه سرمایه دار است و سرمایه داری جهانی

دشمنی با فدا ئیان...

کارگر دشمنی می کند، تشخیص می دهند. مردم به خوبی می دانند دولتی که مدافع کارگران و دهقانان و مدافع حقوق خلقهای ایران باشد هرگز از نیروی توده ها و از نیروی سازمانهای انقلابی مدافع توده ها نمی هراسد، بلکه برای ادامه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آنها تکیه می کند، اما دولتی که در خلاف جهت منافع کارگران و زحمتکشانی قدم برمی دارد، از قدرت توده ها می هراسد و هر روز جبهه تازه ای بر علیه نیروهای انقلابی باز می کند. بنابراین هیچ جای تعجب نیست اگر امروز سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران از جانب رئیس دولت در معرض اتهامات نا جوانمردانه قرار می گیرد، رهبران اعتصابات نفت به زندان می افتند، و حتی به گواه زندانیان سیاسی شکنجه گاهها نیز دوباره به کار افتاد و دهوشکار چینی و شکنجه گران که مسلمان بدون حمایت دولت نمی توانستند به روشهای تکان دهنده خود ادامه دهند، اعمال ضد انقلابی خود را روز بروز افزایش می دهند.

آیا خلقهای قهرمانی که سالیان دراز زیر ستم امپریالیستها، به ویژه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن بوده اند، آیا مردم قهرمانی که یکی از بزرگترین دیکتاتورهای تاریخ را سرنگون ساخته اند، با تهدید و ارباب و عوام فریبی دولت میدان را ترک خواهند کرد؟ شک نیست که خلقهای قهرمان ما و نیروهای انقلابی، مبارزات خود را تا شکست کامل امپریالیسم و سرمایه داری وابسته ادامه خواهند داد.

ماز همه کارگران و زحمتکشانی آگاه، از همه آنان که با ستم امپریالیسم و سرمایه داری راحس می کنند، می خواهیم تا با افشاکری همه جانبه ماهیت تبلیغات زهرآگین دولت و ماهیت همه کسانی که با سازمانهای انقلابی به دشمنی برخاسته اند، پیروزی خلقهای ایران را تسریع نمایند.

برای اینکه کارش را بهتر و راحتتر انجام دهد، می آید یک سیستم عریض و طویل به وجود می آورد، این سیستم بانک است. بدینوسیله استثمار بهتر و بیشتر است. بانکها خودشان هم سرمایه گذاری می کنند. این سرمایه از کجا بدست می آید؟ از پس انداز ناچیز مردم. بانک به مردم بهره کم می دهد اما وقتی وام و اعتبار می خواهد بدهد بهره چند برابر می شود. بانک شیره مردم را می کشد، خون آنها را مثل زالومی مکد.

در جوامع تحت سلطه، مانند کشور ما، سرمایه های مالی و صنعتی و کثا ورزی تماما وابسته هستند. سرمایه گذاری ها در رابطه با سرمایه های جهانی است، در این صورت است که می توانند رشد کنند. در جوامع وابسته بانکها شعبه های بانکهای بزرگ جهانی هستند. پس آنها هم وابسته هستند. برای درک مفهوم ملی کردن بانکها باید اول به صنایع نگاه کنیم. این صنایع مونتاژ همه شان وابسته هستند. سرمایه این صنایع و بانکها در حقیقت مال مردم زحمتکش است. اگر صنایع را ملی نکنیم، نباید از ملی کردن بانکها صحبت شود.

فقط دولت طبقه کارگر است که می تواند همه چیز را به معنای واقعی ملی کند. کشور را نجات دهد، صنایع را ملی کند، کشاورزی را ملی کند، بانکها را ملی کند. اینکارها فقط و فقط از دولت کارگران برمی آید. چون یک دولت انقلابی است.

در اینجا ما یک دولت سرمایه داری داریم. در اینجا دولت مرتباً از مردم دور می شود. اما در جامعه سوسیالیستی دولت مرتباً به مردم نزدیک می شود. حالا دولت با این ملی کردنش، فقط مدیریت بانکها را به عهده گرفته است. این کار برای نجات سرمایه داران وابسته است. آنها ورشکست شده اند. دولت می خواهد آنها را از ورشکستگی نجات دهد. به خرج کی؟ به خرج ما مردم زحمتکش. پس این کارها همه اش حیلۀ است.

قانون دادگاههای فوق العاده...

بقیماز صفحه ۱

آنان را لو می کنند، مگر ظرف همین چند ماه نبوده است که هر وقت خلقها تقاضای خود مختاری در چهارچوب ایران را مطرح کردند، فوراً بر حسب تجزیه طلبی به آنها زده شده است. پس مردم می پرسند گنجائیدن این چنین ماده کشداری در قانون به چه مفهوم است. به نظر ما دقیقاً قصد تنظیم کنندگان این قانون این است که با بالا بردن این شمشر، خواسته های برحق خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی را در گلو خفه کنند و اگر در خواسته های شان اصرار کردند به جرم تجزیه طلبی محاکمه شده و به مجازاتهای س، پانزده، ایدو اعدام محکومشان کنند.

عربالاخره شاهکار تنظیم کنندگان قانون. جرائم ضد انقلاب در ماده زیر برسته شده و در عین حال ماده نوظهوری است.

ماده ۹- اعمال اشخاصی که به نحوی از انحاء در امور کارگاهها و کارخانجات کشور اختلال و کارگران را تحریک و تحریص به تعطیل کار و کارگاهها و کارخانه نمایند، ضربه زدن به مصالح کشور و از جرائم ضد انقلابی است و مرتکب بر حسب درجات جرم بر حسب تشخیص دادگاه به کیفر جانی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال محکوم می شود.

ماده ۱۰- سبب ضدگرگی این ماده از قانون، آنچنان روشن و صریح است که احتیاجی به توضیح ندارد. اگر کارگران به خاطر اضافه دستمزد انقلاب کنند که منجر به تعطیل کار شود، ضد انقلابی هستند و ۲ تا ۱۰ سال زندان محکوم خواهند شد. اینست هدیه دولت محمول قیام که کارگران از ستونهای اصلی آن بودند. اعتبار صواب از دستور جنبش جهانی کارگران است و وسیله ای است که طبقه کارگر را بتوسل به آن می تواند خواسته های اقتصادی و در مواردی خواسته های سیاسی خود را به کار فرمایان و دولت حامی آنها تحمیل کند. پس قراردادان مجازات ۱۰ سال زندان برای توسل شدن به حربه اعتصاب از طرف کارگران، توطئه آشکاری است که برای سرکوبی مبارزات کارگران و زحمتکشانی از جانب دولت طرح ریزی شده است. این همان سیاست طبقاتی سرمایه داران بزرگ قبل از قیام است که امروزه هم با همان ماهیت ادامه می یابد.

قانون جرائم ضد انقلاب دارای آن چنان محتوای ضد مردمی است که ذکر تمام موارد آن در این مقاله نمی گنجد. مثلاً بجز مواد مورد اشاره فوق، موادی درباره ارتش و ارتشیان دارد که تماماً ضد مردمی است. همچنین طرز رسیدگی به اتهام و نحوه تشکیل دادگاه و انتخاب وکیل مدافع و غیره بسیاری از حقوق دموکراتیک متهم را نقض می کند. بنابراین برخورد همه این موارد را مادر بررسی دیگری دنبال خواهیم کرد و با این کلام بررسی این شماره را پایان می دهیم که:

براستی کمتر قانون ضد مردمی سراغ داریم که اینهمه مواد ضد خلقی را در یک قانون ۱۶ ماده ای یکجا جمع کرده باشد.

جوخه های اعدام سپرده شده اند، نقل کرده اند موضوع امنیت داخلی و خارجی وسیله بسیار مناسبی است که سو استفاده کنندگان و ارتجاعیون آنها مستمسک قرار داده و مبارزین و انقلابیون میهن ما را تحت تعقیب، توقیف قرار داده و به مجازات برسانند. مگر همین روزها ما شاهد آن نیستیم که مبارزین و انقلابیون را تحت عنوان "توطئه جاسوسی و اتهامات نظیر آن توقیف و شکنجه می کنند و زمینه محاکمه و مجازات آنان را فراهم می سازند؟

۴- در قانون جرائم ضد انقلاب جرائم زیر را هم مسئول رسیدگی در دادگاههای فوق العاده قرار داده است. د- جرائم کسانی که مبادرت به وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ و شکاری بدون اجازه دولت می نماید.

باز می بینیم همان قوانینی که هزاران جوان دلاور ما را که برای نابودی رژیم سابق اسلحه در دست گرفتند می جنگیدند و به مجازات رساندند (وهنوز هم برای سرکوبی عوامل رژیم سابق و قطع کامل نفوذ امپریالیسم اسلحه را حفظ می کنند) دوباره مطرح شده است. اکنون هم که تسلیم مردم، در اثر انقلاب انجام گرفته و برای ادامه انقلاب و حفظ دستاوردهای آن مردم می خواهند که اسلحه در دست مبارزین و انقلابیون باقی باشد، می خواهند با چماق قانون رژیم سابق، مردم رزمنده ما را خلع سلاح کرده و علاوه بر آن به مجازات برسانند.

این قانون بدون در نظر گرفتن شرایط انقلابی میهن ما و اینکه ضد انقلاب هر روز توطئه می کند و پیاپی روز اطلس جدیدی مبنی بر توطئه عوامل رژیم سابق و امپریالیسم می شنویم با در مطبوعات متکس می شود، داشتن سلاح را قایل مجازات می داند و قانون سپاه رژیم پهلوی را به رخ مردم مبارز می کشد. آیا این عمل جز خلع سلاح مردم در مقابل ضد انقلاب که خطر آن در داخل و خارج وجود دارد نیست؟ آیا این چیزی جز سنگ راستن و سبک راپاز گذاشتن نیست؟

ماده ۵ این قانون می گوید: هرکس برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت ایران یا لطمه وارد آوردن به تمامیت استقلال کشور قیام و اقدام نماید، بر حسب درجات جرم به کیفر جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال یا حبس ابد و اعدام محکوم می شود.

به راستی این ماده شمشری است که به روی خلقهای ایران کشیده شده است. ظاهر امر این است که روی سخن این ماده با کسانی است که قصد تجزیه طلبی داشته باشند. و ما به خوبی می دانیم که خلقهای ایران می خواهند حق تعیین سرنوشت خود را بدست آورده و در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک خود مختار باشند. بنابراین بحث تجزیه طلبی در میان نیست. اما این یک طرف قضیه است. طرف دیگر ادعای مسئولین دولت و عناصر ارتجاعی است که برخواست خلقها پرده ساتری افکند و در خواسته های

و حلالی ببینیم که دولتی که پس از قیام شکوهمند مردم روی کار آمده آن را برای سرکوبی خلق ساخته و پیرداخته است. ما برای نشان دادن ماهیت ضد مردمی و ضد انقلابی این قانون به شرح آن می پردازیم:

۱- ماده ۴ این قانون مواردی را که مشمول این قانون می شود به شرح زیر طبقه بندی کرده است.

الف- کلیه جرائم پیش بینی شده در مبحث اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی تا ماده ۲۶۱ همان قانون.

ببینیم این مواردی که همان استناد شده کدامند؟ مراجعه به قانون مجازات عمومی نشان می دهد که تمام این قوانین ضد مردمی هستند که رضا شاه و پسرش محمد رضا شاه علیه مردم تدوین کرده اند و حال به دست دولتی دوباره احیا شده که پس از قیام مردم و سرنگون شدن خاندان ننگین پهلوی روی کار آمده است.

۲- یکی از قوانین استنادی در ماده ۴ ذکر شده در فوق، قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب ۱۳۱۰ می باشد که در ذیل مبحث اول از باب دوم، آمده است. این قانون به جای ماده ۶ قانون مجازات گذاشته شده است. ماده یک این قانون چنین می گوید:

"هرکس در ایران به هر اسم و عنوان، دسته یا جمعیت یا شبه جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه و یا رویه یا مرام آن اشتراکی است و یا عضو دسته یا جمعیت یا شبه جمعیتی شود که بایکی از این مرام یا رویه های مزبور در ایران تشکیل شود.

اگر این قانون بخواهد همین امروز اجرا شود باید تمام مردم ایران مجازات شوند و فقط ساواکی ها و طرفداران سلطنت از مجازات معاف خواهند بود. ممکن است گفته شود که مفاد این ماده خود گویای این واقعیت است که چنین ماده ای نظیر آن نمی تواند در هیچ قانونی گنجانیده شود. ما هم همین را می گوئیم ولی سؤال انگیزاست که چرا پس از چند روزی که از انتشار این قانون می گذرد و اظهار نظرهای زیادی نسبت به این قانون و بخصوص به این ماده شده است، هنوز سخنگویان دولت هیچگونه توضیحی درباره این مسئله نداده و آنرا نفی نکرده است.

۳- مواد دیگری که از قوانین دوره ننگین پهلوی قرض گرفته شده قوانین مربوط به امنیت داخلی و خارجی است تنظیم کنندگان این قانون ضد مردمی حتی زحمت این راه را خود نداده اند که در این زمینه قوانین جدید با معیارهای کنونی تدوین کنند. از این جهت آسانترین کار را انتخاب کرده و عیناً قوانین ارتجاعی سابق را که در گذشته هزاران تن از مبارزترین فرزندان میهن ما طبق همین قوانین محاکمه و به

همه صنایع و شرکتهای وابسته باید ملی شوند



درحالی که سه نماینده بازداشتی دراعتصاب غذا هستند، سه نفتگر انقلابی دیگر بازداشت شدند

می دهند اما خانواده های این سه کارگر اظهارداشتند تا این تاریخ (۵ تیرماه) که شش روز از بازداشت کارگران می گذرد هنوز آنها آزاد نشده اند.

کارگران صنعت نفت ضمن محکوم کردن دستگیری کارگران انقلابی و مبارز برای چندمین بار به ارتجاعیون و عوامل وابسته به امپریالیسم که در اینگونه اعمال دست دارند اظهار کرده و خواهان آزادی موری همکاران خود شدند ضمناً همسران اعتصاب شکوه مند نفتگران جنوب رایسه سه نماینده کارگران صنعت نفت که رهبری اعتصاب داشتند و پیش از یکماه از ممنوع الملاقات هستند در تاریخ ۲۷ خرداد در ساختمان مرکزی شرکت نفت تهران متحصن شدند ولی به خاطر حمله گروهی افراد مشکوک و مرتجع تصمیم گرفتند وقتاً به تحسین پایان دهند. نمایندگان بازداشت شده که "شیرعیل"، ناصر حیاتی و "جوادی خانی" نام دارند ۲۹ خرداد در زندان دست به اعتصاب غذا زده اند.

درحالی که بیش از یک ماه از بازداشت تحریک آمیز و غیرقانونی سه تن از نمایندگان مبارز صنعت نفت می گذرد، سه کارگر مبارز دیگر نیز بازداشت شدند. این سه نفتگر انقلابی که مبارزات گسترده ای علیه رژیم سابق داشته اند عبارتند از: محمد صفاری عبدالوهاب نقیعی علی نژاد و محمد باقری دستگیری این سه مبارز ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه ۳۰ خرداد به وسیله مأموران گمنام انقلاب اسلامی (بدون حکم دادستانی) انجام گرفت. خانواده های این سه کارگر پس از اطلاع از دستگیری آنها به کمیته و سپاه پاسداران مراجعه می کنند ولی مسئولان اردستگیری کارگران اظهار می کنند که اطلاع می کنند. سرانجام پس از ساعتها جستجو یکی از بستگان دستگیر شدگان از محل بازداشت آنها مطلع می شود. پس از چند روز و کمیته تحقیق مأمور رسیدگی به اتهامات جعلی کارگران می شود و چون هیچگونه دلیلی برای بازداشت آنها وجود نداشت دستور آزادی فوری کارگران را

کارگران در سایه همبستگی و تسکین به حقوق خود ۷۰ درصد افزودند

رشت - کارگران شرکت تولیدی کفش "بیا" که بیش از ۱۳ نفر هستند اثر همبستگی و تسکین موفق شدند قسمتی از خواسته های خود را به مرحله اجراء آورند این کارگران که تا یک ماه پیش روزی ۲۱ تومان مزد می گرفتند توانستند دستمزد خود را به ۳۱ تومان افزایش دهند و ماهیانه تفاوت دستمزد را از ۱۴ ماه پیش دریافت کنند.

به دنبال افزایش دستمزد، کارفرما نرخ اجناس شرکت را با لایمی بردو کارگران که نسبت به این موضوع اعتراض داشته اند مانع خروج کالا از کارخانه می شوند. پس از مذاکرات کارفرما با مسئولان کمیته امام و اداره کار رشت، موافقت می شود دستمزد کارگران ۳۵ تومان افزایش یابد. کارگران خواهان دریافت ماهیانه تفاوت دستمزد از چهار ماه پیش به بعد می شوند ولی کارفرما مقاومت می کند. روز ۳۱ خرداد کارگران در محل کارخانه اجتماع می کنند و مانع خروج کارفرما می شوند. همبستگی و یافشاری کارگران در انجام خواسته های خود منجر به پرداخت ماهیانه تفاوت افزایش حقوق از هفت ماه پیش می شود. همچنین کارگران موفق می شوند محیط کارخانه را بهداشتی کنند و کارفرما را مجبور به احداث کانتینر (غذای خوری) و سایر وسایل مورد نیاز کارگران کنند. کارساخته های شرکت تعاونی شروع شده است.

سهام شرکت تولیدی کفش بیا متعلق به برادران عمده حضور (۴۹ درصد) بانک صنایع و معادن (۲۶ درصد) و شرکت کانادایی بانا (۲۵ درصد) است.

در اثر مبارزات پیگیر کارگران، شورای مشترک کارخانجات کبریت سازی تبریز ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها را تصویب کرد

تبریز - شورای مشترک کارخانجات توکلی، ممتاز تبریز و صدقیانی در یک تصمیم مشترک اعلام کردند: "کارگران ۴۰ ساعت در هفته کار میکنند و پنجشنبه ها کارخانه تعطیل خواهد بود. همچنین شورای مشترک مرخصی سالیانه را از ۱۲ روز به یکماه افزایش داد.

تصمیم شورای مشترک به دنبال مبارزات پیگیر کارگران کارخانه های کبریت سازی تبریز اتخاذ شد و در یک قطعه نامه به تصویب رسید. این نمایندگان شورای کارخانه کبریت سازی توکلی پس از تصویب قطعه نامه به کارخانه های کبریت سازی ممتاز و صدقیانی رفتند ولی چون از ورود آنها به محل کارخانه جلوگیری شد، نمایندگان این کارخانه به محل کبریت سازی توکلی آمدند و در یک جلسه مشترک قطعه نامه را تصویب کردند. تصویب این قطعه نامه مشترک با تأیید کامل کارگران روبرو شد و رونوشت آن جهت اطلاع برای مسئولان این کارخانه ها ارسال شد.

کارگران کارخانجات کبریت سازی که مبارزات پیگیری علیه استثمارگران و عوامل آنها داشتند ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها و افزایش مرخصی سالیانه، به یکماه راحق طبیعی خود می دانند و اعلام داشتند برای گسترش این حقوق به سایر کارخانجات، پشتیبان سایر کارگران خواهند بود.

پایان تحسین ۸۵ روزه کارگران پارک پرس

تهران - کارگران مبارز پارک پرس که از ۸۵ روز پیش در محل این شرکت متحصن بودند پس از مذاکراتی که با نمایندگان دادستانی، وزارت کار و کارفرما داشتند، موفق به تحسین خود پایان دادند. بر اساس این مذاکرات قرار شد کلیه حقوق کارگران تا ۲۵ تیرماه

تهران - کارگران مبارز پارک پرس که از ۸۵ روز پیش در محل این شرکت متحصن بودند پس از مذاکراتی که با نمایندگان دادستانی، وزارت کار و کارفرما داشتند، موفق به تحسین خود پایان دادند. بر اساس این مذاکرات قرار شد کلیه حقوق کارگران تا ۲۵ تیرماه

اخبار کوتاه کارگری

اهواز - کارگران نیروگاه رامیس که بیش از ۷۰۰ نفر هستند و برای گرفتن مزایا و ترمیم حقوقشان که معادل ۷۰ درصد حقوق ماهیانه است، چند بار دست به اعتصاب زدند، همچنان به مبارزه ادامه می دهند. شورای عنقریه کارگران تاکنون موفق شدند حقوق و مزایای ۱۵۰ کارگر اخراجی را برای آنها دریافت کنند.

نیروی بیکار قبلی نیروگاه ۹ میلیون تومان نزد شرکت دارد که کارگران خواهان دریافت آن هستند. ضمناً "دکائی" بیمانکار جدید استیگان فرماندار اهواز است و سیاست صدکارگری دارد.

آستارا (نمین) کارگران شرکت راهسازی مهدی ایران که در خاوه حدید آستارا اردبیل کاری کنند در تاریخ ۲۲ خرداد ۵۸ برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. این کارگران که بیش از ۱۲ ساعت در روز در گرمای طاقت فرسا کاری می کنند روزی ۳۰۰ ریال دستمزد می گیرند. کارگران خواهان ۸ ساعت کار و افزایش دستمزد و مرخصی سالیانه و رسیدگی به وضع بیمه خود شده اند. آنها "مهندس جهانش" کارفرمای شرکت را عامل استثمار خود می دانند.

تبریز - کارگران سیکار تبریز که هر روز در محل دبیرستان ارم اجتماع می کنند، تصمیم گرفته اند سراسر ایستگاه جدی با سرمایه داران و به دست آوردن کار، یک اتحادیه سراسری کارگری در سطح استان تشکیل دهند.

کارگران در خراسان و مذاکرات خود اقدامات دولت را در بسیاری از زمینه ها دفاع از منافع سرمایه داران می دانند.

تبریز - روز سه شنبه ۲۹ خرداد ۸۰ نفر از کارگران شرکت فرانسوی آلستوم که در نیروگاه حرارتی کاری کرده اند در اداره نیروی انسانی تبریز اجتماع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. کارفرمایان شرکت که فرانسوی و ژاپنی هستند به کارگران پیشنهاد کرده اند که یکماه حقوق دریافت کنند و از شرکت خارج شوند ولی کارگران این پیشنهاد را نخواستند و از جانب کارشناسان خارجی و عاملان داخلی آنها می دانند و تا بازگشت به کار و دریافت کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده خود به مبارزه ادامه می دهند.

ارومیه - کارگران شرکت آجر ماشینی ارومیه به خاطر عدم رسیدگی مدیر عامل کارخانه به خواسته های آنان روز چهارشنبه ۶ تیرماه در مقابل ساختمان استانداری اجتماع کرده و قطعه نامه ای در ۱۳ ماده صادر کردند. بازگشت کارگران اخراجی به سرکار خود، پرداخت سود سهام سالهای ۵۶ و ۵۷ حق مسکن، حق اولاد، اضافه کار و مزایا و افزایش حقوق از جمله خواسته های کارگران است.

قائم شهر (شاهی سابق) - کارگران نساجی شماره ۱ شاهی در اعلامیه ای به نام نساج بیدار ضمن افشای مهندسی شهاب رئیس کارخانه و رفتار توهین آمیز او نسبت به کارگران و کتک زدن یک کارگر اشاره کرده و خواهان اخراج این عنصر ضد کارگر و تعقیب قانونی او شده اند.

زاهدان - ۳۰۰ تن از کارگران و رفتگران شهرداری زاهدان به عنوان پائین بودن حقوق روز دوشنبه چهارم تیر دست از کار کشیدند و خواهان عملی شدن قول دولت در مورد دریافت حداقل حقوق ۲۵۰۰ تومان شدند. حقوق این کارگران بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان است.

* * *

کارگران ذوب آهن:

از آپارتمانهای فولاد شهر بیرون نمی رویم

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی قیام در آپارتمانهای فولاد شهر مستقر شده اند. از جانب مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آپارتمانها تحت فشار قرار گرفته اند. این کارگران که قبلاً در اتاقهای مخروبه ۳×۲ متری که در یک منطقه مسایلی به نام "تهالستان" واقع است سکونت داشته اند، حاضر به ترک آپارتمانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی قیام در آپارتمانهای فولاد شهر مستقر شده اند. از جانب مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آپارتمانها تحت فشار قرار گرفته اند. این کارگران که قبلاً در اتاقهای مخروبه ۳×۲ متری که در یک منطقه مسایلی به نام "تهالستان" واقع است سکونت داشته اند، حاضر به ترک آپارتمانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی قیام در آپارتمانهای فولاد شهر مستقر شده اند. از جانب مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آپارتمانها تحت فشار قرار گرفته اند. این کارگران که قبلاً در اتاقهای مخروبه ۳×۲ متری که در یک منطقه مسایلی به نام "تهالستان" واقع است سکونت داشته اند، حاضر به ترک آپارتمانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی قیام در آپارتمانهای فولاد شهر مستقر شده اند. از جانب مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آپارتمانها تحت فشار قرار گرفته اند. این کارگران که قبلاً در اتاقهای مخروبه ۳×۲ متری که در یک منطقه مسایلی به نام "تهالستان" واقع است سکونت داشته اند، حاضر به ترک آپارتمانها نیستند.

تشکیل سندیکای کارگران در زاهدان

زاهدان - کارگران عملیات ماسجستان (شرکت جلوگیری از حرکت شهابی روان) پس از مبارزات طولانی موفق شدند سندیکای خود را تشکیل دهند و در تاریخ ۲۴ خرداد ۷۰ عضو هیئت مدیره سندیکار انتخاب کنند.

کارگران که بیش از ۸۰ نفر هستند پس از تشکیل سندیکا نخستین خواسته های خود را به شرح زیر اعلام داشتند:

۱- پرداخت ماهانه ۷۵۰۰ ریال حق مسکن که از تاریخ ۵۷/۷/۱ پرداخت شده است.

۲- پرداخت ۲۵۰۰۰ ریال عیدی سال ۵۸ که به کلیه کارمندان پرداخت نشده است.

۳- رسیدگی به حسابها و اسناد و مدارک هزینه های سال گذشته و سوء استفاده های "شهابی" و "فرشاد" (رئیس و کارپرداز اداره سرچنگلدار سیستان).

ضمناً کارگران خواستار عدم دخالت اداره سرچنگلدار سیستان در امورشان هستند.

زاهدان - کارگران عملیات ماسجستان (شرکت جلوگیری از حرکت شهابی روان) پس از مبارزات طولانی موفق شدند سندیکای خود را تشکیل دهند و در تاریخ ۲۴ خرداد ۷۰ عضو هیئت مدیره سندیکار انتخاب کنند.

تحصن کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی

کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی برای رسیدن به خواسته های آنان از تاریخ سی ام خرداد دست به تحصن نامحدود زده اند. خواسته های متخصنین به قرار زیر است:

۱- برکناری سرپرست موقت این سازمان به علل زیر:

الف - داشتن سوابق نامطلوب در گذشته.

ب - اتخاذ تصمیماتی برخلاف اهداف انقلاب از قبیل اخراج افراد آرمایی و قراردادی، قطع غیر قانونی حقوق و مزایای پانزده تن از همکاران، زدن تهمت ضد انقلاب به کارکنان صدیق سازمان.

ج - عدم رسیدگی به سوء استفاده افراد وابسته به رژیم و دستبرد به اسناد و مدارک مربوط به سوء استفاده.

۲- تعیین یک مدیر تصفیه صلاحیت به منظور رسیدگی به پیوندهای افراد فاسد و سوء استفاده جوهر همچنین ادغام کارکنان سازمان مرکزی در تشکیلاتی که به وزارتخانه های بهداشتی و بهزیستی آموزش و پرورش و ارشاد ملی واگذار شده و یا خواهد شد. بر اساس طرح ارائه شده از جانب اتحادیه کارکنان.

سندج - کارگران شهرداری سندج که چندین پیش سندیکا و شرکت تعاونی خود را به خود آوردند برای رسیدن به خواسته های خود دست به اعتصاب زدند. افزایش ۳۰ درصد اضافه دستمزد حق مسکن بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان و افزایش حیره غیر نقدی از ۲۰۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان.

دفاع شورای چرمسازی تبریز از منافع کارگران

تبریز - شورای کارگران چرمسازی خسروی که پس از پیروزی قیام با همبستگی و تشکیل کارگران به وجود آمده به فعالیت های خود در جهت دفاع از منافع کارگران ادامه می دهد.

شورای کارگران که پس از برکناری "صفر صفرزاده" از نمایندگی کارگران و اخراج مدیر عامل و دو مهندس انگلیسی و هندی به افزایش حقوق کارگران به دو برابر حقوق سابق، تصمیم گرفت محصولات تولید شده را مستقیماً به بازار عرضه کند. با اینکه شورای کارگران با مشکلاتی روبرو است، اما با خاطر حمایت یکپارچه کارگران توانسته اقدامات ارزنده ای انجام دهد. گروهی از کارگران کارخانه چرمسازی خواستار برکناری "جاویدان" رئیس کارخانه شده اند. وی ۱۵ میلیون ریال از اجناس کارخانه را برده و همچنین ۵۰۰ هزار ریال به کارگران بدهکار است.

شورای کارگران چرمسازی برای رسیدگی به حسابهای کارخانه و وصول حقوق کارگران از رئیس کارخانه، نماینده های رایه وزارت کار فرستاده است.

اعتصاب کارگران کوره پز خانه های گنبد

گنبد - کارگران کوره پزخانه های آخر فشاری طباطبائی، شهابی، سعادت و حاجی آخوند زاده که در شرایط بسیار سخت و غیر بهداشتی کوره ها به کار مشغول هستند در یک قطعه نامه ۹ ماده ای خواسته های خود را مطرح کردند و اعلام داشتند تا رسیدن به این خواسته ها اعتصاب ادامه می دهند.

افزایش حقوق کارگران در قسمتهای مختلف کوره، پرداخت حق خواربار مسکن، حق اولاد و سود ویژه و پرداخت حقوق ایام بیکاری در زمستان اعتصاب از جمله خواسته های کارگران کوره پزخانه های گنبد است.

اجتماع تاکسی رانان رابرهم زندگی

تهران - تاکسی رانان تهران روز جمعه ۸ تیرماه برای انتخاب نمایندگان خود در سالیان ورزشی کارگران اجتماع کردند. هدف این اجتماع کسب آن صدها تاکسی ران شرکت داشتند. انتخاب نمایندگان واقعی تاکسی رانان و اعلام باطل بودن انتخابات قبلی بود که در آن افراد مشکوک را به عنوان نمایندگان تاکسی رانان معرفی کرده بودند. هنگامی که کاندیداهای خواستند خود را معرفی کنند گروهی به میان جمعیت آمدند و با جار و جنجال انتخابات را برهم زدند. تاکسی رانان اعلام کردند نمایندگان تحمیلی را بر رسمیت نمی شناسند و برای انتخاب نمایندگان واقعی خود با رهم اجتماع می کنند.

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

نهادهای شورائی ...

بقیة صفحه ۱

شمرديم . در این شماره به تفکیک قوای سه گانه وظایف قوه مجریه می پردازیم و اختیارات بسیار وسیع رئیس جمهور را در پیش نویس قانون اساسی مورد بررسی قرار می دهیم . نخست باید دید حکومت چیست و از چه قوای تشکیل می شود و وظایف این قوا در هر جامعه ای چیست ؟ در جوامع بورژوائی (سرمایه داری) معمول است که ارگان اصلی حکومت رایسه سه قوه مجریه ، مقننه و قضائیه تقسیم می کنند و معتقدند که این قوا باید از یکدیگر مجزا باشند ، و چنانچه تفکیک قوا بطور کامل انجام پذیرد ، حقوق افراد جامعه بیشتر حفظ خواهد شد . بنظر ما این تفکیک قوا جز پیچیده تر کردن روابط و در نتیجه سرپوش گذاشتن بر تسلط طبقه حاکم (استعمارگر) بر طبقه محکوم (ستمکش) چیز دیگری نیست .

اصولا تفکیک قوا شیوه بورژوائی تقسیم اختیارات هیئت حاکمه است و از لحاظ عملکرد از بالا به پایین عمل می کند به همین جهت نیز ماهیت سلطه حیوانیه قوه مجریه را از بین نمی برد بلکه آنرا پیچیده تر می کند . این شیوه اولین بار در انگلستان قرن ۱۸ پیاده شد و منتسکو حقوقدان بورژوائی فرانسوی تجارب آنرا در کتاب معروف "روح القوانین" تشریح کرد . البته این شیوه در شرایط تاریخی اروپای رها شده از بند قنودالیم پیانگری حرکتی در جهت تبدیل حکومت مطلقه بورژوائی بود و به همین جهت قدمی به پیش بود ولی امروز که رسالت تاریخی بورژوازی بسته پایان رسیده است این شیوه حاکمیت نیز پس از شیوه استبداد فئودالی نقشش تاریخی خود را از دست داده است و در مقابل نهاد شورائی و مردمی حاکمیت خلق می تواند نقشی ترمز کننده داشته باشد . دموکراسی از طریق نهاد شورائی و شوراهای و مجامع خلق یک شیوه حاکمیت از پائین به بالاست و در صورتیکه چنین شیوه ای از حاکمیت اعمال شود دیگر قوه مجریه به شکل بورژوائی اش که سلطه اقلیت کوچکی بر اکثریت خلق باشد وجود نخواهد داشت .

راه حل شورائی در عین حال راهیست که از دورن جنبش انقلابی خلق ایران بیرون آمده و تشکیل شوراهای بسیاری که دستاورد قیام شکوهمند خلق است بیانگر این حقیقت است که وقتی توده ها خود را سا اعمال حاکمیت می کنند ، شکل دموکراسی آنرا می گیرند . محدود کردن قوه مجریه که سابقا دخالتهای خود در قوای دیگر می تواند خطر یک دیکتاتوری را در پی داشته باشد ، از طریق ایجاد نهادهای شورائی می تواند عملی شود . تاریخ بکرات نشان داده است که در جوامع طبقاتی چون قوه مجریه قدرت سیاسی و نظامی را در دست دارد از یک ماهیت سلطه طلب برخوردار است و دیکتاتوری مطلقه خود گام از تحلیلات آن می باشد .

همانگونه که در مقالات پیشین گفته شد جنبش رهایی بخش خلقهای ایران دارای سه خصلت عمده ضد دیکتاتوری ضد امپریالیستی و بهبود زندگی زحمتکشان بود . بنا بر این قوه مجریه صورتی محصول این جنبش خلق تلقی می گردد که برای تأمین و تضمین این خصلت ها عمل کند . قوه مجریه در قانون اساسی ایران باید دست در دست قوه مقننه مجری خواستهای مردم و حافظ دستاوردهای انقلاب باشد و حرکت جامعه را به سمت هدفهای انقلاب مردمی سریع و تسهیل کند . برای تحقق این اهداف و حفظ آنها باید در نظر داشت که اولاً قوه مجریه باید اجرا کننده برنامه های مشخص و فاعط صد امپریالیستی در رابطه با قطع کامل نفوذ اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی امپریالیست ها باشد . قانون اساسی باید وظیفه ملی کردن (عمومی کردن) تمامی سرمایه های وابسته را در تمامی قلمروها بطور واقعی تصریح کرده و قوه مجریه باید اجراء و تداوم این اصول را تضمین کند .

ثانیاً از نظر حفظ سلامت سیاسی و اجتماعی و تضمین آزادیهای فردی و سیاسی و حقوق دموکراسی ، قانون اساسی باید به قدرت خلق از وجود آمدن یک قوه مجریه سلطه جو کنترل کننده جلوگیری کند و این امر از طریق تصریح کامل شناسایی بی فیدو شرط آزادیها و حقوق خلقهای ایران و گسترش خلافت ها از طریق ایجاد شوراهای مردمی می تواند عملی گردد .

برخورداری از امکانات مادی وسیع و سوء استفاده از امکانات اداری و دولتی می تواند به راحتی هر سئوالی را مطرح و جواب مثبت را از مردم بگیرد . مگر هر روز رسانه های جمعی اطلاع نمی دهند که دولت ضد خلقی یادت در فسلان و بهمان مسئله به " همه پرسى مراجعه کرده ۹۵ درصد مردم نیز از مثبتی داده اند ؟ پس سوء استفاده از همه پرسى برای یک دیکتاتور بسیار آسان است .

۳- انحلال مجلس : رئیس جمهور طبق اصل ۸۹ در صورتیکه با مجلس شورای ملی اختلاف نظر پیدا کند می تواند از راه همه پرسى مجلس را منحل کند . معلوم نیست که اختلاف نظر از چه نوع می باشد و مرجع تصمیم گیری راجع به این منحل بودن اختلاف کیست ؟ و همترازمه تشخیص اینک اختلاف نظر وجود دارد یا چه کسی خواهد بود ؟ منظور که از فحواى کلام بر می آید رئیس جمهور در هر زمانی فقط با اعلان وجود اختلاف نظر " با مجلس شورای ملی می تواند مجلس را منحل کند .

۴- اعلام عفو عمومی : اصل ۹۵ اعلام عفو عمومی پس از تصویب مجلس بارتیس جمهور است . همچنین رئیس جمهور حق دارد در حدود قوانین مجازات محکومان را تخفیف دهد .

۵- اعطای نشانها و عناوین افتخاری .

۶- امضاء استوارنامه سفراى ایرانی و پذیرش استوارنامه های سفراى بیگانه .

۷- فرماندهی کل نیروهای نظامی . در اصل ۹۳ چنین آمده است : فرماندهی کل نیروهای نظامی بارتیس جمهور است . رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی به پیشنهاد هیات وزیران و تصویب رئیس جمهور تعیین می شود .

این اصل علاوه بر اختیارات سیاسی وسیعی که به رئیس جمهور داده شده است فرماندهی کل قوای نظامی و تعیین فرماندهان دیگر ارتش را نیز به وی واگذار می کند . معلوم نیست در صورتیکه رئیس جمهور با سوء استفاده از همه اختیارات فوق و یا بیشتر کمی نیروهای نظامی شروع به گشتار آزادیخواهان و نیروهای مترقی جامعه کند و دیگر کسی را برای نفی کشیدن نباشد (همانند بسیاری از کشورهای جهان) دیگر چگونه مردم می توانند از وی مسئولیت بخواهند و بازخواست کنند .

۸- امضای عهدنامه ها و پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی .

۹- اعلان جنگ و متارکه آن و پیمان صلح : بموجب اصل ۹۵ پیش نویس ، رئیس جمهور پس از تصویب مجلس می تواند اعلان جنگ بدهد و غیره . اما قسمت اخیر همین اصل ناظر به موارد فوری و اضطراری است که در آن صورت رئیس جمهور خود را سامی تواند اعلان جنگ بدهد و پیمان صلح ببندد . چه کسی می تواند مواقع فوری و اضطراری را مشخص کند . اینگونه ابهام گوئی ها منجر به عواقب ناگواری خواهد شد که فقط پس از گشتار عظیم خلقهای میهنمان نویسندگان متن پیش نویس و کسانی که خواهند به هر طریقی شده چنین قانونی راه مردم عظیم خطیرشان بی خواهند برد .

۱۰- ریاست دولت و تعیین نخست وزیر و وزیران : اصول ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ رئیس جمهور را مجاز به تعیین هیئت وزیران می نماید و در صورتیکه لازم بداند می تواند جلسه هیئت وزیران را خود اداره کند .

۱۱- نظارت بر تصویب آئین نامه ها و تصویب نامه های هیئت وزیران : رئیس جمهور باید آئین نامه ها و تصویب نامه های هیئت وزیران را بر بررسی و چنانچه معارض قوانین و یا قانون اساسی باشد آنها را برای تجدید نظر هیئت وزیران بر می گرداند .

۱۲- حفظ استقلال قوه قضائیه . اصل ۱۲۷ پیش نویس یکی دیگر از وظایف رئیس جمهور را حفظ استقلال قوه قضائیه دانسته است و حکم انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و روسای شعب و مستشاران و دادستان کل کشور را به موجب اصل ۱۴۰ بارتیس جمهوری دانده . حال آنکه این اختیارات کاملاً برخلاف و ناقض اصل ۱۶ ، ۱۶ و ۲۶ و ۷۷ که ناظر به استقلال قوا از یکدیگر و استقلال قوه قضائیه است می باشد .

۱۳- رئیس جمهور می تواند مخالفات قوانین تصویب شده را جد اکثر یکماه پس از تصویب به اطلاع شورای نگهبان برساند و در آن صورت شورای نگهبان به موضوع اعلان شده رسیدگی خواهد کرد . چه بسا که رئیس جمهور مصوبات بسیاری از مجلس را از این طریق مسکوت بگذارد و با

تخل کند تا یکماه مهلت مقرر بگذرد تا مصوبه مجلس جنبه قانونی پیدا کند حتی اگر مخالف صریح قانون اساسی باشد . با توجه به مطالب فوق که جملگی درباره اختیارات رئیس جمهور بودند به راحتی می توان تشخیص داد که سپردن اختیارات اینچنین نامحدودی به یک شخص تا چه اندازه امکان ایجاد دیکتاتوری را فراهم ساخته است . و در ضمن این اصول به روشنی بیانگر بی باکری پایه بودن اصل تفکیک قوای ادعائی و مجزا بودن آنها از یکدیگر است . رئیس جمهور به راحتی مصوبات را معطل می گذارد ، مجلس را منحل می کند ، قضات دادگستری را معین می کند و خلاصه آنچنان اختیاراتی دارد که تمام قدرت در دست او متمرکز است . همانطوری که در آغاز این محبت گفته شد با کاهش اختیارات رئیس جمهور و با به رسمیت ساختن حق تعیین سرنوشت خلقها در ایجاد نهادهای شورائی در تمام سطوح شهر و روستا می توان محدودیتی در اعمال قدرت قوه مجریه ایجاد کرد . در غیر این صورت با اختیارات بسیار وسیعی که در پیش نویس قانون اساسی به رئیس جمهور داده شده است زمینه به وجود آمدن دیکتاتوری های مطلقه در همین پیش نویس قانون اساسی ساخته شده است . اما آنچه مضمون و محتوای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراسی مردم ایران در برداشته و دارد ، ایجاد آنچنان حاکمیتی است که قوه مقننه و مجریه به عنوان ارگان واحد از دل شورائی



مردمی و از پائین بیرون آید . تنها در این صورت است که دیگر خطر قدرت گرفتن هیئت حاکمه و تشکل های مختلف و وجود آوردن اختناق و سرکوب خلق در میان نخواهد بود . بنا بر آنچه تا کنون گفته ایم نظرها درباره تدوین قانون اساسی و مجلس موسسان در مرحله کنونی در میان زیر خلاصه می شود : آنچه که امروز تحت عنوان قانون اساسی مورد بحث همه نیروهاست ، در صورتی تأمین کننده منافع وسیعترین توده های زحمتکش خواهد بود که مضامین و جهت گیری هائی بنیانی را در قطع نفوذ امپریالیزم و بهبود زندگی زحمتکشان و تأمین آزادی های دموکراتیک تضمین کند . اما امروز تأکید و تصویب چنین قوانینی ، با چگونگی فراخواندن مجلس موسسان ارتباط نزدیک دارد . زیرا تنها مجلسی که اکثریت اعضا آن را نمایندگان کارگران ، دهقانان و زحمتکشان شهری (که از میان نمایندگان شوراهای انقلابی برگزیده شده اند) تشکیل دهند ، صلاحیت دارد بر اساس مضمون اصلی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی موسسان و قوای قیام خلق را در تدوین قانون اساسی مورد نظر قرار دهد و جهت گیری آن را که محور سلطه امپریالیسم و تأمین آزادی های دموکراتیک است سندیت بخشند و در عرصه جهانی از مبارزات آزادیخواهان تمامی زحمتکشان حمایت کند .

نبرد خلق

(ویژه کارگران و زحمتکشان)

شماره ۶

بامطالبی درباره:

نگاهی کوتاه به جنبش اخیر درباره اتحادیه بحران و تورم و اثرات آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان پیرامون قوانین کار در جامعه سرمایه داری کالا چیست ؟ مختصری درباره کتاب اصول کمونیسم مافرداتاریخ را خواهیم ساخت بچه های پارما رهایی و چند شعر از رفقای کارگر

منتشر شد

«سازمان چریکهای فدایی خلق ایران»

انقلاب نمایی ...

بقیة صفحه ۴

کنیم می بینیم که او همیشه با زبان تصویر ، سخن می گوید . یعنی ، بیسان او " تصویری است . نیا معتقد است که شاعر نباید خبر بدهد و گزارشگری کند ، بلکه باید نشان بدهد . به جای آنکه بگوید من غمگینم باید غم خود را نشان بدهد و این کار نیز با ارائه تصویر ها ممکن است . و نیا در تصویر سازی ، استاد بزرگ بود .

اوهنگامی که می خواهد خشکالی و نیاز شدید به باران را توصیف کند ، می گوید : جدار دنده های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می ترکد . در همین تصویر ، حتی اگر ارتباط آن را با تصویرهای دیگر که در این شعر هست در نظر بگیریم علاوه بر آنکه شدت خشکالی را به بهترین شکلی با ترکیدن نی هانشان می دهد هم محیط و فضای شعر را روشن می کند (روستاهای شمال) وهم وضع زندگی یک روستایی را (که در کومه های ساخته شده از نی زندگی می کند) . پس می بینیم که در تصویرهای نیا ، اندیشه و خیال بطور هماهنگ عمل می کند .

و یا اگر می خواهد یک شب گرم و دم کرده را توصیف کند ، به جای آنکه بطور ساده بگوید شب است اکنون ، شبی دم کرده و گرم است ... چنین می گوید . هست شب ، همچو گرم کرده تنی ، گرم دراستاده هوا .

و یا این تصویر ، شب را مانند تن ورم کرده ای توصیف و تصویر می کند . در هوای راکد که فوراً مارابه یاد یک جسمی اندازد ، و به این ترتیب تمام آن فضای لختی و سکون و سنگینی هوای راکد و بی جریان شب ، یعنی تمام آن فضای خفقان آوری را که معمولاً شب مظهر آن تلقی می شود (در مقابل روز و فردا که مظهر روشنی و آزادی است) عیناً به همانگونه که خود احساس کرده به خواننده منتقل می کند .

نیمای می گوید : قوت رسوخ هرگونه بسته بر این است : خود او با ماده و جهان خارجی که تاثرات اندیشه های او از آن فراهم آمده ، تا چه اندازه مانوس و مربوط . یعنی پس از آن با کدام وسیله این رابطه را جادار و زبانداز ساخته است . به این معنی که چگونه ماده و جهان خارجی با اندیشه های بلا فصل او ، شکل برای بروز پیدا کرده است . به هر اندازه که گوینده این عینیت و لوازم جلوه مادی آن را بهتر ایجاد کند ، مسلم است که به منظور خود بهتر رسیده است .

در اینجای می بینیم که نیا هم بر مانوس و مربوط بودن با جهان خارجی ، یعنی داشتن رابطه نزدیک و مستقیم با واقعیت ، تأکید می کند وهم بر بر کار بردن وسیله های گویا این رابطه را جادار و زبانداز می کند . یعنی بر کاربرد تصویرهای زنده و مناسب برای نشان دادن واقعیت .

ادامه دارد

چگونه توده‌های زحمتکش برای احقاق حقوق خود پیامی خیزند

در روز سه شنبه ۵ تیر ۵۸ حدود ۳۰۰ نفر از اهالی نعمت آباد (۴ کیلومتری جاده ساوه) برای اعتراض به "سازمان بهسازی و عمران جنوب پایتخت" در مورد عدم رسیدگی این سازمان برای حل مسئله آب در این منطقه (نعمت آباد) محوطه این سازمان را اشغال می کنند. درست در همین زمان پیمانکاری که از طرف سازمان بهسازی مسئول حل مسئله آب بوده است وارد سازمان می شود اما اهالی نعمت آباد اوراد سنگبری می کنند و به کمیته محصل می برند.

شرح ماجرا به این ترتیب است:

نعمت آباد یکی از محله‌های خارج از محدوده نشین تهران است که حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. اساسی ترین مشکل اهالی عدم وجود آب آشامیدنی در این منطقه است. اهالی برای تامین آب مجبورند چند کیلومتر راه پیمایی کنند و با وسایل ابتدائی آب به محل سکونت خود بیاورند. شرکت دهشاد (به مدیریت مهندس صادقی) برای رفع نیازمندی آب اهالی منطقه مسئول این امر می شود و چندین میلیون تومان از

دولت و اهالی محل می گیرند تا این مسئله را حل کند. مأمور نظارت بر این طرح نیز "سازمان بهسازی و عمران جنوب پایتخت" است. مطابق قولی که مهندس صادقی داده بود، قرار بود که ۸ ماه قبل این طرح به اتمام برسد ولی از آنجایی که دزدی خصلت اکثریت قاطع پیمانکاران است از لوله های سوراخ و زنگ زده استفاده می کند بطوریکه جرئت برآوردن آب را به لوله هانداشته است زیرا بعد از مدتی آب نشت می کند و تمام قضایا نقش بر آب می شود. در عرض چند ماه گذشته به بهانه های مختلف پیمانکار از اهالی محل دهها هزار تومان پول گرفته است و توده های زحمتکش هم به امید حل مشکل آب این مخارج را متقبل شده اند. به دلیل گرم شدن هوا و بالا رفتن نیاز مردم به آب، دیگر کاسه صبر مردم لبریز می شود و یکبار مائیس صادقی را خورد می کنند ولی باز هم به نتیجه ای نمی رسند. در نتیجه با تحت فشار گذاشتن کمیته محل (مسئول کمیته آیت الله ایروانی) حکم جلب صادقی را می گیرند و حدود ۳۰ نفر زن و مرد و بچه روانه "سازمان بهسازی و عمران جنوب

نوطه فئودالهای پیرانشهر: در برخورد مأموران کمیته با مردم یک نفر زخمی می شود

نمایند. آنچه که به فئودالها پشتگرمی می بخشد حمایت ضمنی ارتش، "قبایله ای ها" و شیخ مرتجع آن منطقه گزگک از یک سو و سکوت تأیید آمیز دولت در برابر زمینه چینی ها و اعمال صدامتانی آنها از سوی دیگر بود. به دنبال خطاری که فئودالهای از مسلح شده و تشکشان در اتحادیه عشایری فندیل جهت هجوم به روستائیان می دهند، زحمتکش روستائیان منطقه خود را آماده مقابله و مقاومت تا پای جان در برابر آنان می کنند و طی درگیری که ساعت ۲/۵ با تعداد روز یکشنبه ۳ تیر ماه ۵۸ با حمله نوطه گرانه فئودالها به دفتر حزب دموکرات و مقاومت مردم و نیروهای انقلابی آغاز شد و تا حوالی ظهر روز دوشنبه ۴ تیرماه در روستای "تازه قلعه" ادامه یافت، روستائیان مبارز موفق شدند ۶ تن از فئودالها را کشته، ۲۰ تن را خلع سلاح کرده و بقیه را نیز فراری دهند. اسامی اربابان کشته شده عبارتند از: مصطفی منگوری، طاهر درویش خانی، ارباب سخنان، ارباب شالی آباد و شاکر آباد ابراهیم حمزه آقا و علی احمد گل آقا. همچنین تعدادی از فئودالها زخمی می شوند که رقم دقیقشان معلوم نشده است.

فئودالهای فراری به همراه افراد فئودال موقت در کوهها و جنگلهای اطراف در صدد تشکیل مجدد و هجوم دوباره برمی آیند و طبق گزارشهای رسیده، شیخ گزگک هم به وسیله هلی کوپتر ارتشی

به پادگان پیرانشهر منتقل می شود و از روز قبل از حمله، افراد و وابستگان شیخ در ارتباط مستقیم با پادگان بودند. روستائیان مبارز آن منطقه و مناطق مجاور پیرانشهر همگی صفوف خود را برای مقابله با هجوم اربابان هرچه فشرده تری می کنند. به دنبال این ماجرا ارتش در پیرانشهر وارد ماجرای خود روز دوشنبه دو کامیون پاسدار، دو کامیون از فئودالهای شکاک، یک اتومبیل از افراد شیخ گزگک، دو تانک جیپن به سوی روستای "تازه قلعه" حرکت می کنند. بعد از این عمل ننگین ارتش که به پشتیبانی از فئودالها برخاسته، تمام بازوهای پیرانشهر تعطیل و اهالی به یک راهپیمایی بزرگ دست می زنند که همان موقع تعدادی از افراد کمیته انقلاب اسلامی تحت نفوذ شیخ گزگک با تهدید اسلحه جلو مردم را می گیرند. ولی مردم با شجاعت و دلآوری و با باز کردن سینههای خود به راهپیمایی خود به طرف کمیته ادامه می دهند. در نزدیکی کمیته افراد وابسته به شیخ گزگک به طرف مردم تیراندازی می کنند که یک نفر کشته و یک نفر زخمی می شود.

به دنبال این حوادث عده زیادی از مردم بر تلفن خانه شهردار متحصن می شوند و شهر به حالت تعطیل درمی آید. افراد وابسته به شیخ گزگک (جبهه اسلامی) هم پس از کشتار روز دوشنبه فرار می کنند.

ضد انقلاب در بختیاری توطئه می کند

می بردازند و چون تشکیل انجمن را بدون شرکت خانها مخالف منافع استثمارگران و غارتگران خود می بینند علیه انجمن توطئه می کنند و در صدد برمی آیند مینگی را که روز جمعه یازدهم خرداد از جانب انجمن برگزار شده بود به هم بریزند. هنگام سخنرانی محمد پیروزی یکی از موسسین انجمن موسی جهانگیری به وی حمله می کند و یکی دیگر از عوامل امیر بهمن نیز با اسلحه کمری چند تیر شلیک می کند. ماجرا با دخالت کمیته اسلامی شهر کرد خاتمه می یابد ولی ضد انقلابیون ماجرا را به همین جا تمام نمی کنند و همان روز نقشه حمله به خانه طرفداران انجمن مرکزی ایل بختیاری را پیاده می کنند و با ۱۵ نفر مجهز به تفنگ و اسلحه کمری و چماق به خانه های اعضای انجمن حمله می کنند. در این درگیری ۷ نفر از مهاجمین مجروح می شوند

بمدار قیام شکوه مدخل و سرنگونی رژیم سفور پهلوی، همانند مردم نقاط دیگر سپهمنان، عشار بدلی بختیاری هم که سالها تحت فشار خانهای مرتجع و رژیم سرسپرد سابق بودند، با کمک جوانان مبارز و آگاه (انجمن مرکزی ایل بختیاری) را برای حل و فصل مشکلات و مسائل عشار و انعکاس خواستههایشان تشکیل دادند. اما فئودالها عناصر وابسته به رژیم سابق عملاً مانع کار انجمن و ایجاد آرامش در منطقه می شوند.

به دنبال مسلح شدن فئودالها و مرتجعین منطقه پیرانشهر توسط ملاحسنی و شیخ گزگک و حمایت مستقیم و غیر مستقیم ارتش و "قبایله ای ها" از آستان برخورد مسلحانه ای که از مدتها پیش انتظارش می رفت (و ما با راهدار شماره های قبل در این مورد هشدار دادیم) در فریبه "تازه قلعه" رخ داد. سید طبع کمالی زاده (شیخ گزگک) که طبق اسناد منتشره تا ۳۰ ساله قیام بهمن ماه مارزیم مغفور همکاری نزدیک داشته است (روز سه شنبه ۲۹ خرداد به ارومیه رفته، با ملاحسنی مذاکره می کند. نتیجه این سفر تحویل مسلح حدود ۱۲۰۰ قبضه تفنگ برنو به شیخ گزگک توسط ملاحسنی می باشد که قرار می شود میان فئودالهای منطقه تقسیم کنند. ۲۲۰ قبضه از این تفنگها به فئودالهای مغفور، ۲۲۰ قبضه به فئودالهای شکاک، ۲۲۰ قبضه به فئودالهای آمد، ۲۲۰ قبضه به فئودالهای "زرزا" و باقی نیز به خود شیخ گزگک اختصاص داده می شود. در همان روز از شنبه خیر می رسد که ساعت ۸/۵ شب تعداد ۸۰ قبضه از این سلاحها با یک وانت آبی رنگ به منزل یکی از فئودالهای زرزا حمل شده است.

فئودالها که برای بازگرداندن روابط ارتجاعی و فئودالی شروع به مسلح شدن می کنند. پس از فارغ شدن از این کسار به روستائیان خطاری می کنند که با یستی بهره مالکانه آنها را تمام و کمال برداخت

هجوم زاندارمها به روستا به درخواست مالک

کردن غرب - روز جمعه ۲۵ خرداد در روستای "دریت گوران حمیدیک جمشیدی زمیندار بزرگ که سابقاً سردسته چماقداران در اسلام آباد (شاه آباد عرب سابق) بوده از یک روستائی درخواست بهره مالکانه کرده و می گوید که اگر روستائیان بهره مالکانه را نپذیرازند، روز خوشی نخواهند دید. این خبر به موضع گیری متقابل روستائیان و مالک می انجامد. بدنبال آن مالک با دوپیشش به روی روستائیان اسلحه می کشد و با تیراندازی به سوی آنان حمله کرده و آنها را متفرق می کند. بعد هم به زاندارم می کشد و بخش کبوتر که از او حمایت می کنند شکایت می کند. "دهقانان خانه ام را غارت کرده اند" از سوی کمیته تعدادی مأمور و زاندارم با تانک به روستا هجوم می آورند و برای روستائیان ایجاد ترس و وحشت می کنند.

مردم سه روستا در برابر یک زمینخوار

سنندج - روستائیان آلک، سید اسماعیل و صرام آباد در قلعنامه خسرو د ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب و روح آزادیخواهی مردم زحمتکش، خواهان محاکمه والی خان سنندجی، ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی و همچنین خواهان پس گرفتن درآمد حاصل از زمینهاشان شدند که بعد از اصلاحات ارضی توسط والی خانیان عصب شده بود. روستائیان همچنین خواستار از سر ساختن آبادیهای صرام آباد و سید اسماعیل که توسط همین فئودال و بران گردیده، شده اند و دولت خواسته اند برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار به والی خان اجازه بازگشت به روستای آلک را ندهند.

تشکیل شورای موقت محله کوی فدائی (دره قربانی)

تبریز - اهالی دره قربانی که به ضرورت تشکیل شورایی رسیده بودند روز دوشنبه ۴ تیرماه ۵۸ در قهوه خانه محله اجتماع می کنند. شرکت کنندگان ۲۵ نفر بودند همگی موافق تشکیل شورای بودند و می گفتند اگر خودمان دنبال کار نمی بودیم هیچکس به کار ما رسیدگی نخواهد کرد و سپس ۴ نفر از اهل محل که به گفته اهالی اشخاصی مبارز و مطمئن بودند در روستا شاه پیشتر از همه در تظاهرات و راهپیمایی شرکت کرده بودند به عنوان نماینده انتخاب شدند. پس از انتخاب نمایندگان خواستههای اهالی محل تنظیم شد و قرار

اتحاد و اقدام انقلابی تنها ضامن پیروزی دهقانان

دهقانان روستای حمید آباد از توابع اهر که به بی فایده بودن انتظار از دولت پین بردند خود را دست به کار شده و زمینهای غصب شده خود را که در دست شخصی به نام سلطانی بود با پس گرفتند و به وسیله دوازده تراکتور اقدام به شخم زدن زمینها نموده و دست ارباب غاصب را از زمینهای خود کوتاه کردند. همچنین روستائیان خونین، اذغان و حمید آباد با اتحاد و همبستگی زمینهای خود را که جنگلیانی غصب کرده بودند گرفتند. اقدام روستائیان تأییدی است بر این تجربه که بدون قدرت متحد روستائیان و اقدامات انقلابی مسائل و مشکلات اساسی آنها حل نخواهد شد.

تحصن اهالی مشکین شهر

در حدود دوهزار نفر از اهالی مشکین شهر بعد از ظهر یکشنبه بیست و هشتم خرداد به عنوان اعتراض به عدم تأمین آب آشامیدنی شهر، دست به تظاهرات زدند. به دنبال این حرکت دو معلم و یک دانش آموز توسط کمیته امام دستگیر، ر انتخاب اردبیل و سپس به تبریز فرستاده می شوند. برای اعتراض به این عمل در حدود ۲۵۰ نفر شامل فرهنگیان و دانش آموزان و کارگران روستائی در اداره



کشاورزان گلپایگان فشارهای ارباب را خنثی کردند

روستائیان قریه رباط حسینیه گلپایگان که از مراجعات خود به مقامات مسئول نتیجه ای نگرفتند (خبر مراجعات در کار ۱۶ آمده است) خود را اقدام به جمع آوری و تقسیم محصول کردند. در روز بعد که می خواستند محصول را با ماشین ببرند شعبی (یکی از زمینداران) به همراهی یک جیب کمیته و هفت مأمور مسلح به آنجا آمد که با حمله مردم ناچار به فرار شدند. ولی نیم ساعت بعد با یک کامیون ارتشی پر از زاندارم برگشت. مردم که شدیداً عصبانی شده بودند با اسلحه و به ماشین اوحمله کردند و ارباب فرار کرد. بعد از فرار شعبی افراد مسلح می خواستند مانع بازگویی روستائیان شوند که با عکس العمل شدید آنها روبرو شدند. شرکت آبیاری روستائیان برای فشار آوردن به روستائیان تهدید کرده است که آب روستا را قطع می کند. ولی مردم چهار نفر را به عنوان نماینده به آنجا فرستادند و گفتند اگر آب را قطع کند همگی به آنجا حمله خواهند کرد. شرکت ناچار به عقب نشینی می شود.

- ۱- کشیدن برق به محله.
 - ۲- آوردن شاه لوله آب به محله برای تهیه آب مشروب.
 - ۳- درست کردن پیل
 - ۴- تسطیح و ساختن کوچه و معابر محله.
- در ضمن باید گفت که این محله از محلاتی است که در جریان سیل اخیر تیریز آسیب دیده است.

خائز دارد از بین می رود

بندر بوشهر - خائز دره ۷ کیلومتری شرق بندر بوشهر قرار دارد. از سال ۴۱ به بعد همراه با سیاستهای تخریبی دولتهای رژیم گذشته در مورد کشاورزی باغهای میوه این منطقه رو به نابودی رفت. آنچه مردم خائز از دولت موقت انتظار دارند بدین قرار است:

- ۱- محصولات روستا را به وسیله شرکت تعاونی در خود ده به قیمت عادلانه ای بخرد.
- ۲- به کشاورزان وام طویل المدت بدهد.

خواستههای دیگر مردم، پل بندی راه خائز - اهرم و کمکهای فنی به کشاورزی است تا مردم این روستا که بسیاری از آنها مهاجر و بیگانه اند، به کار کشاورزی بپردازند.

مجازات مسیبن دستگیری

- ۱- تأمین آب آشامیدنی برای اهالی شهر.
- ۲- مجازات مسیبن دستگیری.
- ۳- انحلال کمیته امام مشکین شهر.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

درباره حزب طبقه کارگر (۱۰)

«تبدیل پول به سرمایه» (۵)

چگونگی تولید ارزش اضافی

اقتصاد سیاسی

پراشیک مبارزه طبقاتی و هم در عرصه مبارزات نظری است. بر چنین زمینه ای از وحدت و به هم پیوستن سازمانها و گروههایی که با طبقه کارگر پیوند یافته اند بر اساس وحدت ایدئولوژیک و سیاسی وحدت تشکیلاتی صورت می گیرد. به عبارت دیگر برای تشکیل حزب طرز از نوین طبقه کارگر اولین وحدت بر پایه یک برنامه مشخص یعنی نظریه مشخص درباره تحلیل اقتصادی - اجتماعی سیاسی و تاریخی جامعه و تعیین استراتژی و تاکتیک مشخص بر اساس مارکسیسم - لنینیسم تحقق می یابد. البته در ساره وحدت گروهها و سازمانهای مختلف گاه حزب طبقه کارگر از وحدت چند سازمان که هر کدام بطور نسبی با طبقه کارگر پیوند یافته اند تشکیل گردیده و گاه یک سازمان پیوند خود را با طبقه کارگر گسترش داده و دیگر گروهها و سازمانهای کوچکتر را جذب نموده و حزب طبقه کارگر را تشکیل داده است. خلاصه اینکه یک الگوی مشخص برای روند تشکیل حزب طبقه کارگر که جهان شمول باشد یعنی در همه جوامع کاملاً موجه و قابل پیاده شدن باشد نمی توان تعیین کرد و اساساً مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم الگوی دشنی است - مائوئیسم نیز دارای الگوهای خود است. روی این مسئله تاکید می کنیم چونکه در جنبش کمونیستی ایران جریانهای انحرافی با چنین الگوهای انحرافی کمک نموده اند. عده ای می خواستند الگوی چین را در ایران پیاده کنند و بقول خود شهرها را از طریق دهات محاصره کنند و امروز نیز بنا بر همین الگو سازی می خواهند همان پروسه تشکیل حزب در چین را در ایران پیاده کنند. بدون توجه به اینکه ساخت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و شرایط تاریخی ایران نظیر مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط مشخص جامعه در صدد انطباق واقعیتها و الگوهای همین از پیش ساخته خود هستند و همین جهت است که با آنکه ساخت جامعه در ایران سرمایه داری و ایسته است آن را نیمه فئودال و نیمه مستعمره می خوانند تا با الگوهایشان در پیاید، عده دیگری الگوی روسیه را می خواهند پیاده کنند و در این راه حتی اسم روزنامه های روسیه را بر روزنامه های شان گذاشتند و عمل همان الگو را دنبال می کنند. با همین قصد به جای درک خلاق از آموزش های لنینی و تجربیات انقلاب روسیه نوشته های لنین را مانند تاریخ و جغرافیا از بر می کنند و در این راه تا بد آنجا پیش می روند که مثلاً تحلیل لنین از دولت موقت بعد از انقلاب فوریه را می خواهند به جای تحلیل حاکمیت سیاسی کونونی جا بزنند. دارو دستهای هم که خسود را حزب طبقه کارگر می نامند جلدانی شان را از جامعه و فرارشان را از صحنه نبرد طبقاتی و سکونت متجاوز از بیست سال و اندی شان را در خارج از کشور و بر بردنشان را از توده ها با مهاجرت لنین به خارج مقایسه می کنند. این همان دیگر در مورد اینکه لنین در خارج چه می کرد و آنجا چه می کردند سخنی نمی گویند و فراموش کرده اند که لنین در ارتباط محکم و نزدیک با حزب بلشویک در روسیه به رهبری حزب و تدوین تئوری انقلابی مشغول بود و اینها بدون رابطه با جامعه با نشخوار تئوری های ایورتونیستی روزگاری گذراندند. اینها فراموش کرده اند که مهاجرت لنین به خارج همراه با مهاجرت حزب بلشویک به خارج نبود و شبکه های حزب - سیاسی بلشویک ها در روسیه هر روز گسترش می یافت و آنی هم طبقه کارگر توده های زحمتکش را به "امان خدا" رها کرده بود در حالیکه "مهاجرت" اینان همراه با مهاجرت "حزب" شان به خارج بود و اساساً فاقد تشکیلات منسجم مبارز در داخل کشور بود. چه رسد به تشکیلات

در شماره های قبیل درباره حزب طبقه کارگر و ضرورت تشکیل آن برای رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا، خصوصیات اساسی تشکیلاتی آن و درباره سازمانهای جنبی و وابسته به حزب و ضرورت تقویت و تشکیل سازمانهایی که دربرگیرنده توده های وسیع باشد صحبت کردیم. آنچه گفتیم درباره خصوصیات اساسی و عام حزب طبقه کارگر بود. ولی می دانیم همانگونه که هر جامعه ای دارای ویژگی های خاص خود است احزاب طبقه کارگر نیز در روده های مختلف و به اشکال گوناگون تشکیل گردیده و ویژگی های خاص خود را داشته اند. علیرغم اینکه هم این احزاب خصوصیات اساسی حزب طبقه کارگر را دارا بوده اند، مثلاً حزب طبقه کارگر در روسیه تحت نام حزب سوسیال دموکرات روسیه تشکیل گردید، به دفعات در آن اشعاراتی روی داد، تضعیف شد و دوباره تقویت گردید تا بالاخره به سطح حزبی ارتقاء یافت که اولین انقلاب سوسیالیستی را در جهان به پیروزی رساند. در ویستام، ابتدا اتحادیه سه جوانان انقلابی تشکیل گردید و سپس از درون این اتحادیه دو سازمان کمونیستی بیرون آمدند و پس از مدتی سه سازمان کمونیستی که در ویستام فعالیت می کردند متحد شدند و حزب طبقه کارگر را تشکیل دادند و در کوبا و کره شمالی حزب طبقه کارگر با خصوصیات طراز نوین، پس از پیروزی انقلاب تشکیل گردید. البته در کوبا حزب سوسیالیست که مدعی سوسیالیسم بود، وجود داشت ولی به علت ایورتونیسمی که بر آن مسلط بود حزب فاقد خصوصیات واقعی یک حزب طبقه کارگر بود و نتوانست نقشی در پیروزی انقلاب ایفا نماید، به همین دلیل هم علت وجودی خود را از دست داد و حزب طبقه کارگر با خصوصیات طراز نوین پس از پیروزی انقلاب بر دولت دست نداشت نشاند آمریکا، یعنی بر دولت باقیست و چند ماه پس از در هم شکستن قدرت دولتی، تشکیل گردید. در آلبانی حزب طبقه کارگر در جریان مبارزه ضد فاشیستی از اتحاد سازمانهای مارکسیست - لنینیست تشکیل گردید. در چین نیز روند تشکیل حزب به گونه ای دیگر بود. خلاصه اینکه همانطور که تمام جوامع دارای ویژگی های خاص خود هستند، روند تشکیل حزب طبقه کارگر نیز دارای ویژگی های خاص جوامع مختلف است. ولی علیرغم تمام این تفاوت های چشمگیر این روده ها از قانونمندی های عامی که در همه آنها مشترک می باشند، تبعیت نموده اند.

نخستین قانونمندی در روسیه تشکیل احزاب طبقه کارگر این است که همه این احزاب، محصول مبارزه طبقاتی پرولتاریا در مرحله معینی از رشد و تکامل آن می باشند. یعنی برای تشکیل حزب طبقه کارگر شرایط معینی باید فراهم گردند و این شرایط در نتیجه یک دوره مبارزات پیگیر فراهم می شود و نه مقدم بر مبارزه و خلق الساعه. و این شرایط درجه معینی از شکل طبقاتی پرولتاریاست که در آن شرایط طبقه کارگر به نیروی سیاسی مستقلی تبدیل گشته است. وقتی از شکل طبقاتی پرولتاریا سخن می گوئیم منظورمان مفهوم وسیع آنست، یعنی اینکه هم جنبش خود بخودی (خودانگیخته) طبقه کارگر رشد یافته است و هم سازمانهای سیاسی (پس از سازمان سیاسی) پرولتاریائی به وجود آمده اند. این سازمانهای سیاسی کسه دارای ترکیب کارگری - روشنفکری با ایدئولوژی طبقه کارگر هستند، بطور نسبی با طبقه کارگر پیوند یافته اند و مبارزه طبقه کارگر را در صحنه اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک رهبری می کنند و نتوانسته اند با اشاعه آگاهی سوسیالیستی در میان کارگران، آگاهی طبقاتی آنان را بالا ببرند. به عبارت دیگر بطور نسبی پیوند میان جنبش خود بخودی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی برقرار گردیده است. که این شرایط خود محتاج یک دوره مبارزه پیگیر همه جانبه هم در زمینه

در شماره های قبل دیدیم که آنچه کارگر می فروشد مستقیماً کارواندست است. بلکه نیروی کار اوست. که بوقتا در اختیار سرمایه دار می گذارد. همچنین، ارزش نیروی کارمانند ارزش هر کالای دیگر بر حسب مقدار کاری معین می شود که برای تولید آن لازم است. به عبارت دیگر ارزش نیروی کار بر حسب ارزش وسایل زندگی معین می شود. که برای باز تولید، حفظ و جاویدان بودن نیروی کار ضرورت دارد. حالاً ببینیم ارزش اضافی چگونه به وجود می آید. سرمایه داران و مدافعانشان همیشه سعی می کنند ثابت نمایند که کارگران و سرمایه داران به عنوان صاحب دو کسالت (پول) و نیروی کار با هم مساوی هستند و آنها این دو کالای مساوی را که دارای ارزشهای مساوی نیز هستند بطور آزاد و داوطلبانه با هم مبادله می کنند. اما واقعیت این است که این ادعا حیلای بیش نیست و دروغ محض است. برای سرمایه داران و کارگران در این مبادله امری است ظاهری که در پشت آن یک اجبار اقتصادی نهفته است. برای همه روشن است که کارگر نه دارای وسایل تولید است و نه وسایل معیشت. پس مجبور است بخش قابل ملاحظه ای از کار روزانه اش را در خدمت سرمایه دار قسراً بدهد. کارگر مجبور است برای تأمین مایحتاج زندگی کار کند و این کار در واقع یک کار اجباری است که مارکس از آن به عنوان (بردگی دستمزدی) نام می برد. در اساس، استثمار سرمایه داری فقط از این جهت از استثمار برده داری و فئودالی (آریاب و رعیتی) جداست و آن تفاوت دارد که استثمار پوشیده است و روابط مبادله ای خرید و فروش نیروی کار بر روی آن برده می کشد و اصل موضوع استثمار می کند و می پوشاند و اصل موضوع یعنی غارت کارگران توسط سرمایه داران پنهان می ماند. مابرای اینکه بتوانیم چگونگی استثمار کارگران را روشن سازیم باید برده را کتار بر زمین و شکل پنهان استثمار را آشکار کنیم و بدینوسیله نحوه ایجاد ارزش اضافی را درک جریان تولید نشان دهیم. پس برای درک بهتر مسئله از یک مثال شروع می کنیم. کارگری در یک کارخانه یا کارگاه شروع به کار می کند. فرض می کنیم این کارگر یک مکانیک ماشین است و از شش روزانه و وسایل زندگی او یعنی ارزش نیازمندی ها و مایحتاجی که برای خود و خانواده اش احتیاج دارد، متناسب با وضعیت کنونی جامعه ما ۱۰۰۰ ریال است. باز فرض می کنیم که این کارگر مکانیک یا بدقلمتی از کتدو برای اینکار مثلاً ۱۰ ساعت وقت لازم دارد. او همچنین برای تعمیر موتور احتیاج به مقداری وسایل و ابزار و تعدادی وسایل بدکی و روغن و کربیس و غیره دارد. یعنی مواد اولیه و کمکی. فرض می کنیم ارزش کل این مواد ۲۵۰۰ ریال باشد و استثمار کارگر ابزار کارش هم بطور متوسط می شود ۵۰ ریال. و حدود ۵۰ ریال پول آب و برق و اجاره و... به آن تعلق می گیرد.

حالا در پایان کار یعنی بعد از ۱۰ ساعت کار ماشین آماده است و کل خرج آنهم می شود: مواد اولیه و کمکی ۲۵۰۰ ریال ابزار کار ۵۰ متوسط مخارج متفرقه (مثل آب و برق ۱۰۰) دستمزد مکانیک ۱۰۰۰ جمع ۳۶۰۰ ریال اما کار فرما وقتی که صورت حساب را به صاحب ماشین ارائه می دهد به جای ۳۶۰۰ ریال ۴۶۰۰ ریال می نویسد و دریافت می کند. می بینیم کار فرما در پایان کار مبلغ ۱۰۰۰ ریال که بیش از کل مبلغی که در جریان تولید خرج شده به دست آورده است. خوب، این ۱۰۰۰ ریال از کجا آمد؟ ماکل هزینه هایی را که خرج شده است، حساب کردیم پس واقعا این ۱۰۰۰ ریال چگونه پیدا شد؟ معمولاً سرمایه داران و مدافعانشان چنین ادعا می کنند که این بازده سرمایه ای است که سرمایه دار در کارگاه سرمایه گذاری کرده است. اما ما قبلاً گفتیم که اصولاً در جریان تولید از پول، پول زائیده نمی شود. پس این ۱۰۰۰ ریال از کجا می آید؟ این همان گرته کور و حلقه گمشده ای است که باید کاملاً شناخته شود. برای روشن شدن موضوع مسئله را بیشتر بررسی قرار می دهیم و می شکافیم. اولاً کار فرما می تواند در کل سیستم سرمایه داری که شکل استثمار پنهان نگاه داشته شده است در زمانی که کارگر هنوز آگاهی پیدا نکرده سر او را کلاه بگذارد اما نمی تواند سر صاحب ماشین را کلاه بگذارد. قبلاً هم گفتیم فقط برای یکبار (منظور اینجا این نیست که صاحب ماشین آدم آگاهی بوده است. بلکه باز باید بگوئیم همان سیستم سرمایه داری این مسئله را بطور نسبی به همه یاد داده است که ارزش هر چیز چقدر است) و چگونه تعیین می شود. یعنی هر کس ممکن است یکبار یک جنسی را اگر از قیمت طبیعی خریداری کند اما دفعه بعد دیگر یا د می گیرد و دیگر کلاه سرش نمی رود. مثلاً برای همه روشن است که یک کیلو روغن در یک مغازه بقالی به فرض ۳۰۰ ریال است و در یک فروشگاه بزرگ که ممکن است میلیونها تومان هم سرمایه گذاری کرده باشد ۲۰۰ ریال (تازه چون فروشگاه بزرگ از امکانات تولید و توزیع و غیره هم برخوردار است می تواند کمتر باشد). پس خریدار گول سرمایه بیشتر را نمی خورد. بنابراین صاحب ماشینی که برای تعمیر آمده، پول تعمیر را متناسب با قیمتی که در کل سیستم یا بهتر بگوئیم کار اجتماعی لازم تعیین کرده است می پردازد. با این مثال ما فهمیدیم که سرمایه نمی تواند برای کار فرما پول یا سرمایه اضافی تولید کند. ولی هنوز سرچشمه ارزش اضافی را روشن نکردیم. برای درک این مسئله دوباره به عقب باز می گردیم. گفتیم ارزش نیازمندی ها و مایحتاج

کارگر مکانیک مورد نظر ۱۰۰۰ ریال است و برای جبران این مبلغ کارگر باید ۱۰ ساعت کار کند. یعنی برای هر ساعت ۱۰۰۰ ریال دریافت می کند. با بگوئیم بعد از ۱۰ ساعت کار ۱۰۰۰ ریال به ارزش مواد اولیه و کمکی و ابزار کار و استهلاک اضافه می گردد. پس به عبارت روشنتر مبلغ ۲۶۰۰ ریال مواد اولیه و ابزار کار به ماشینی که او تعمیر کرده منتقل می شود. بعلاوه ۱۰۰۰ ریال ارزش کار خودش که می شود ۳۶۰۰ ریال. اما همانطوری که قبلاً گفتیم صورت حساب نوشته شده ۴۶۰۰ ریال است. در این میان ارزش مواد اولیه همچنان دست نخورده باقی مانده است استهلاک ابزار کار هم همان ۵۰ ریال است. پس نتیجه می گیریم ۱۰۰۰ ریال اضافی که در پایان کار به وجود آمده فقط به کار کارگر بستگی دارد. چون ارزش مواد خام و سایر ابزار که سرمایه دار در جریان تولید به کار گرفته ثابت مانده است. پس به این نتیجه می رسیم که ارزش هر ساعت کار مکانیک ۱۰۰۰ ریال نبوده بلکه ۲۰۰۰ ریال بوده است. یعنی اگر کارگر فقط ۵ ساعت کاری کرده ارزش نیروی کارش را می توانسته است بگیرد. یا اینکه می توانیم بگوئیم این کارگر اگر دارای امکاناتی (ابزار و محمل کار) می بود، می توانست با ۵ ساعت کار ارزش نیازمندی ها و مایحتاج زندگی خود را تولید کند. اما می دانیم اگر کارگر مکانیک بعد از ۵ ساعت کار دست از کار بکشد و پس حساب کارم ۲۰۰۰ ریال است، پس با ۱۰۰۰ ریالی که توبه من داده ای دیگر حسابی نداریم، کار فرما سرش فریاد خواهد کرد: صبر کن مکانیک برای تمام روز یعنی برای ۱۰ ساعت استخدام کرده ام، ۵ ساعت فقط نصف روز است. پس فعلاً شاداب و سرزنده کار خود را ادامه بده تا ۵ ساعت باقی مانده هم به پایان برسد. آنوقت است که باید دیگر حسابی نخواهیم داشت. (انگلس - مقدمه بر کار مزدوری و سرمایه.)

کارگر مکانیک ما مجبور است این دستور کار فرما را انجام دهد. چون طبق قراری که قبلاً با هم داشته اند، قرار شده است که ارزش خلق شده در مدت ۱۰ ساعت یعنی تمام روز را فقط با ۱۰۰۰ ریال عوض کند. در حقیقت او ارزشی را که فقط در ۱۰ ساعت خلق می کند و ۲۰۰۰ ریال می بماند در مقابل ۵ ساعت دستمزد فروخته است. بدین ترتیب می بینیم که "ارزش نیروی کار" یعنی ۱۰۰۰ ریال "استفاده دوجیز متفاوت است. مادر شماره های آینده با مقاله هائی دیگر این مسئله را که در حقیقت جوهر استثمار سرمایه دار می باشد، روشن خواهیم ساخت.



چنین هدی را پیش روی خود قرار نداده است، فقط قصد ما اشاره به این مسئله بود می خواستیم نشان دهیم که تنها قبول ضرورت تشکیل حزب در ردی رادوانمی کند. بلکه باید یقین کنیم چگونه قدم به قدم در راه تشکیل حزب طبقه کارگر به پیش خواهیم رفت. اینجا است که تحلیل مشخص از شرایط مشخص ضروری است و تحلیل مشخص از شرایط مشخص تنها با درین آموزی از تجربیات تاریخی طبقه کارگر، درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و به کار گرفتن آن در پراشیک انقلابی میسر است.

پرولتاریائی. دیگر درباره آنها که در آرزوی پیاده کردن الگوی انقلاب (کوبا هستند و با آنها که حزب دوطبقه کارگران و دهقانان) تشکیل داده اند سخنی نمی گوئیم ولی عجیب تر از اینها هم هست. کسانی امروز مدعی شده اند که تا به امروز اصلاً در ایران جنبش کمونیستی وجود خارجی نداشته است و امروز آنها رسالت افتتاح آن را به دوش می کشند و با اعلام وجودشان در جامعه جنبش کمونیستی مفتخر خواهند نمود و آنرا افتتاح خواهند کرد. در این مقاله مکان بررسی انحرافات هر کدام از این جریانها نیست و این مقاله

کارگران کارخانه درخشان:

هنوز سرسپردگان سابق حاکمنند

روز شنبه ۱۹ خردادماه عده ای از کارگران کارخانه درخشان بخاطر همبستگی با اعتصاب کارگران فرقه زبیا که روز ۱۷ خرداد آغاز شده بود، قطعنامه ای صادر کردند و اعلام داشتند چنانچه خواسته های آنها برآورده نشود، دست به اعتصاب خواهند زد و خواستند که به امضاء کلیه کارگران برسانند ولی هنگام امضای قطعنامه افراد تحریک شده دخالت کردند عده ای آن را ضبط و پاره کردند و حتی به دیگری بین کارگران کشید که جریان به پاسگاه کاروانسراستکی اطلاع داده شد. بدنبال آن در تاریخ ۲۱ خرداد ماه از طرف گروهی از کارگران اعلامیه ای در کارخانه پخش شد که متن آن در زیر آمده است.

آقای "قاسم بهمنی" که مدیر داخلی کارخانه، رئیس شورای کارخانه مامور کمیته امام در کارخانه و خلاصه با گذشتن یک ریش همه کاره کارخانه شده است، اطلاعاتی در سرخوردن با این دو جریان صادر می کند. این اطلاعاتی طوری برخلاف عادت دو ماه اخیر آقای قاسم بهمنی در آن "بسمه تعالی" فراموش شده است و این خود نشان دهنده ماهیت این آقایان می باشد که تا چه اندازه به اسلام پایبند هستند.

آقای قاسم بهمنی شورای کارخانه درخشان تهران (چون فقط بجای شورا شمامتصم می گیرید) شما چه چیزی در آن قطعنامه و اعلامیه دیدید که بقول خودتان خلاف (خط مشی انقلاب این واحد تولیدی) باشد؟ آیا شما به این وسیله اختناق را به وجود نیاریدید؟ آیا جز این است که خود شما بابت اصول مقدس انقلاب نیستید، بلکه بارها شکرچیان گاو بند می نموده، کارخانه زاب طبع ایشان می چرخانید؟ اگر شواهد است می گویند و مسلمان هستید چطور اعمال آقای شکرچیان و آقای اخلاقی را فراموش کرده اید؟

آقای بهمنی، مگر یادتان رفته است که یک سال قبل به خاطر کارگران افغانی اعتصاب کردیم و رضاشکرچیان صبح به میان اجتماع اعتصابی ما آمد و فریاد زد: "بروید سرکارتان، من از این اعتصابات نمی ترسم." و گفت: "خدا منم

قانون منم، هر غلطی دلتان می خواهد بکنید. مگر یادتان رفته است که کارگری به نام محمد برای اضافه دستمزد خود بیش شکرچیان رفته بود و او گفته بود: "چه اضافه دستمزدی می خواهی؟ تو که روزی ۳۵ تومان حقوق می گیری روزی ۳۵ تومان هم دختر بازی می کنی" مگر یادتان رفته به آن کارگردختری که به حقوقش اعتراض داشت گفته بود: چرا شکرخدارانمی کنی که من با ۱۲ تومان حقوق استخدام کرده ام و به جای یک شوهر الان هزار شوهر برداری (منظور شکرچیان تعداد کارگران مرد کارخانه بود) برو عشقت را بکن اضافه دستمزد می خواهی چه کار؟ آقای بهمنی این کارگران هنوز در کارخانه هستند. آقای بهمنی اگر شما یادتان رفته، ماهیچ وقت یادمان نمی رود. شرم کنید از این که جای جانی به دستان رژیم مزدور پهلوی را اشغال کرده اید. ننگ داشته باشید از این که مانع آگاهی کارگران هستید. آیا اعمال شما و ساواک با هم چه فرقی دارد؟ چرا از آنهایی که ناموس زنان و دختران کارگر را در کارخانه به باد استهزا و تمسخر می گیرند، دفاع می کنید؟ چرا جلوی اعلامیه افشاگران را می گیرید؟ شما که کسی هستید که برای ۳۵۰ نفر تعیین تکلیف می نمائید؟

آقای قاسم بهمنی! روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ساعت ۱۰ صبح، آقایان سهامداران تصمیم گرفتند که چه کار کنند؟ در صورتی که شما می گویند کارخانه در دست شورا است. پس مجمع عمومی آنها که دعوت نامش در نشریات چاپ شده بود، چه معنی می دهد؟ ما کارگران از شما می خواهیم که در رفتارتان تجدید نظر نمائید و شورا را منحل کنید و کنترلی بر رویید و ما خودمان از شوروی واقعی تشکیل می دهیم.

جلوگیری از پخش هرگونه نشریه و اعلامیه ثابت می نمائید که رفتار زشت ساواک و اعمال دست نشانده رژیم مغزور پهلوی به شما منتقل شده و عینا عمل آنها را تکرار می نمائید.

مرگ بر شکرچیان و طرفدارانش
زنده باد اتحاد کارگران
گروهی از کارگران درخشان
تهران
۵۸/۴/۴

نامه کارگران

ما کارگران، مارنجبران، ستم دیدگان زجر دیده و دهقانان زحمتکش سانسور را، این بازمانده عقاید قرون وسطایی را در هر شکل و مضمون، در هر رنگ و لباسی، از طرف هر طبقه و شخصی به شدت محکوم می کنیم و به سانسورچیان هشدار می دهیم که اگر دست از اعمال ستم و زشت خود برندارند و جلوگیری از عقاید آزاده مردمان آزاد بخواهند کنند، گور خود را کنده، کفن خود را دوخته اند از زمانی که سرمایه و مالکیت به وجود آمد، ستمگران، این اقلیت زور گو همواره کوشیدند تا از تکامل تاریخ جلوگیری کنند و به این منظور سانسور را اعمال کردند. اما این کوتاهی نظران که زمانی به لباس گرگ و گاو می در شکل میش ظاهر می شوند، نخواهند توانست وقفای در این امر (تکامل تاریخ) به وجود آورند.

آقایان! خود شاهد بودید که سالها شاه خائن مدعی دوا تشه ای آزادی و دموکراسی بود، ولی با شمشیر سانسور هرزبانی را در کام می بریدند. در این مورد حتی به اسلام مرفقی هم رحم نکردند. و همه این ها اعمال سنگین و شرم آوری بود که برای بقای خود انجام دادند و شما دیدید که آخر چه شد. حالا شما تئودولت وقت و حزب جمهوری اسلامی، هر دقیقه از صند او سیمای خودتان تبلیغ می کنید که طرفدار آزادی بیان و عقیده هستید و اسلام به دیده احترام همه رانگاه می کند. سانسور وجود ندارد، ولی ما کارگران بیشتر از هر طبقه و گروه دیگری سایه هولناک دیو سانسور را بر بالای سر خود احساس می کنیم. آقایان! تقشیر عقاید سانسور شما حتی در خدمت اسلام هم نیست بلکه در خدمت رضاشکرچیان است که در زمان شاه با لگد بر مهران کارگری زد و می گفت: من کارخانه دایز کرده ام نه مسجد.

حالا افشاکری رضاشکرچیان به وسیله افرادی چون قاسم بهمنی که ظاهرا طرفدار اسلام است، محکوم است و کنترل می شود. آیا این است اسلام و برابری؟

کارگری که از حق خود دفاع کند در کارخانه جانی ندارد

رفقا! به سخنان یک کارگر که بعثت دفاع از حقوق خود از کاربرکنار شده است توجه کنید:

من بعد از دوازده سال درس خواندن در این مملکت، قبل از انقلاب در کارخانه الکترونولوکس ساوه با روزی ۱۰ ساعت کار و ۴۰ تومان دستمزد (که ماهیانه ۲۰۰ هزار آن پول ناچیز کم می کردند) مشغول به کار شدم. بعد از این که انقلاب شروع شد چون دو ماه کار کرده بودم پولی به ما ندادند. روزی با دیگر کارگران جمع شدیم و برای دریافت حقوق خود در برابر کاری که کرده بودیم پیش کارفرما رفتیم اما ما به عنوان یک خرابکار از کاربرکنار کردیم. من به اداره کار ساوه مراجعه کردم و اداره کار طبق سابقه کارپول ناچیزی به مبلغ ۴۹۸۲ ریال به عنوان اخراج در نظر گرفت که این مبلغ را دریافت کنم. انقلاب پیروز شد و دستوراً روزی یک کار و امواجتماعی آمد کسانی که در این انقلاب از کار خود برکنار شده و یا اخراج شده اند می توانند به سرکار خود مراجعه کنند. من به کارخانه مراجعه کردم ولی به من گفتند که کار ما تکمیل است و احتیاج به نیروی انسانی نداریم در صورتی که بعد از من ۱۱۰ نفر دیگر راهم اخراج کرده بودند. من مدتی صبر کردم و بعد در تاریخ ۴ خردادماه مجدداً مراجعه کردم و برکنار گردیدم و طبق دستور روزی یک کار و امواجتماعی می بایستی بنده در این کارخانه کار کنم. در جواب گفتند کسی که در این کارخانه از حقوق خود دفاع کند طبق گفته رئیس شرکت نمی تواند دیگر در این کارخانه کار کند. واقعا این است معنی انقلاب؟

با درود فراوان - جوان بیکیار محمود

نامه يك کارگر معدن:

با کارگران که پرچمدار انقلاب بودند

چگونه رفتار میشود

منی دانم چه بگویم واز کجا آغاز کنم. اما به هر حال خطاب را به شما دارم. هر کجای کار را که نگاه کنی می لنگد و از هر چیزی عیبی بیرون می آید. دل خوش داشتیم به این که انقلاب کرده ایم و تشره آن را ما زحمتکشان خواهیم برد. اما به روشنی می بینیم که غیر از این است. اوایل کارگران، پرچمداران انقلاب حساب می شدند. اما اکنون فرق از زمین تا آسمان شده است. عوامل سرمایه داران با قیافه حق به جانب، مریضه کسانسی که سالها مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، در دستگاه رهبری نفوذ کرده اند و لاجرم خواهان همان قوانینی هستند که ما بر علیه آن ها انقلاب کردیم. قوانین ضد کارگری و به قولی قانون کار فراموشی گویم. مثلاً حتی ساعات کار به جای آن که تقلیل پیدا کند، همان چهل و هشت ساعت اعلام شده است. پنجشنبه ها به جای آن که جزو تعطیلات و استراحت کارگران زحمتکش باشند، به عنوان روز کار اعلام شده اند. خلاصه آنچه را که مارشته بودیم، پنبه کرده اند، آنهم با چه قیافه! دستان برای کارفرمایان و عوامل آن مهم نیست که کارگر چهل و هشت ساعت بی وقفه کار کند و تشره کارش را او ببرد. برای آقای رازی مهم نیست که فرزند کارگر خدای ناگردد در این بیابان مریض بشود و او دسترسی به هیچ جا و هیچ کسی نداشته باشد ولی آقای رازی برای خرید وسایلی خانه با آمیولاس به شهر برود. برای آقای گلپای دولو قاجار و لاجوردی مهم نیست که کارگر چهل و هشت ساعت کار کند و یک روز استراحت نداشته باشد. اما او در هفته دوروز می عیش و عشرت خودش برود. برای آقای زاهدانی هیچ مهم نیست که من با ماهی هزار و پانصد تومان می توانم به خانواده ام کمک ناچیزی بدهم یا باند هم. مهم این است که او چه خواسته ای دارد. اگر کارگر در هفته سه چهل و هشت ساعت کار کند، اخلاکگر اغتشاشگر و ضد انقلابی است. برادران نماینده مارا که مردمی با خدا و مومن بودند به جرم حق طلبی به اتهام اغتشاش و اخلاکگر بیرون می کنند و این یعنی هیچ کدام از ما صدف و بیشتر به اندازه پیشیزی ارزش نداریم. کارگر خوب و زحمتکش دیگری را بیرون می کنند. به جرم اینکه حقایق را گفته و در مورد آنها هیچ چیز نگذشته است. دونه فردیگر راهم با همین عنوان حکم اخراج به دستشان

این نامه ای است که یک کارگر معدن برای ما فرستاده است. رفیق کارگر با توجه به آنچه پس از انقلاب بر او روی کارگران گذشته است، مساله انقلاب را مورد سؤال قرار داده و به این اعتقاد رسیده است که عوامل سرمایه داران در دستگاه نفوذ پیدا کرده اند و تلاش دارند همان قوانین ضد کارگری سابق را دوباره بر کارخانه و موسسات تولیدی اعمال کرده و مانند گذشته حقوق کارگران را پایمال کنند.

این کارگر در ضمن این که اعمال غیر انسانی کارفرمایان را در محیط خود به خوبی افشای سازد اما در یک مورد نیز دچار اشتباه می شود و آن این است که اصولاً اشکال کار را در یک سیستم سرمایه داری جستجو نکرده و این اشکال بی سرمایه داران کارگران می پردازند و یا سرمایه داران کشور ما هستند که هیچ حقی برای کارگر قائل نیستند. اومی پرسد: "در کجای دنیا، حقوق خود را خواستن عملی ضد انقلابی و اخلاکگر است. در کجای دنیا مدیریت انتقاد کردن و آنها را ارشاد نمودن مستحق چوب و چماق و تنگ است؟"

این رفیق باید در نظر داشته باشد که اولاد تمام جوامع طبقاتی (هر کجای جهان که باشد) که سرمایه داری حاکم است، نه تنها هیچ حقی برای کارگران در نظر گرفته نمی شود، بلکه هر گونه حرکت اعتراضی آنها و وحشیانه سرکوب می شود و از عناوین "اخلاکگر، خرابکار، اغتشاشگر"، به عنوان پوششی برای محق نشان دادن اعمال ضد انسانی خود استفاده می کنند تا به این بهانه حرکات اعتراضی کارگران را سرکوب کنند. البته در کشورهای نظیر کشور ما که سرمایه داری وابسته و نوکر صفت طبقه مسلط را تشکیل می دهد، طبیعتاً متناسب با ماهیت سرمایه داری وابسته سرکوب کارگران و وحشیانه ترسوی سرمایه داران صورت می پذیرد.

در ثانی در چنین مناسباتی به هیچ وجه نمی تواند صحبت از انتقاد و ارشاد کارفرما یا مدیریت به میان بیاید. یعنی رفقای کارگر باید بدانند که از کارفرما یا سرمایه دار توقع ارشاد داشتن بی شباهت به این نیست که از گرگ تقاضا کنند گوسفند را نخورد.

اصولاً ماهیت سرمایه داری در این است که هر چه بیشتر استثمار کند و حرکت اعتراضی کارگر را سرکوب کند اگر غیر از این بود که سرمایه دار نمی شد. بنابراین، رفقای کارگر باید بدانند که با انتقاد کردن، ارشاد کردن و فقط خواسته های صافی را مطرح کردن مادام که کل سیستم سرمایه داری تغییر نکند و کنترل کارخانه در دست خود کارگران قرار نگردد، هیچ تغییری در وضعیت زندگی کارگران ایجاد نخواهد شد.

خطرات يك کارگر قالبیاف

من یک کارگر قالبیاف هستم از وقتی که دست راست و چپم را تشخیص داده ام خود را روی داربست قالبیاف دیده ام. نمی دانم چند ساله بود که کارگر شدم اما همین قدر می دانم که کمتر از ۱۰ سال داشتم که به بنیم شدم. روزی مادرم دست مرا گرفت و به این کارگاه قالبیافی آورد. گویا حاجی رحیم صاحب کارخانه که حالا مرده است و پسرش کارخانه را اداره می کند، پیش مادرم رفته بود و با اظهار دلسوزی به پول آن زمان ۵۰ تومن داده بود و مرا به مدت ۱۰ سال چقدر کتک خوردم، چقدر انگشت هایم را بریدم، بماند. اما دیگر کارگر قالبیاف شده بودم و جز این کار، کار دیگری بلد نبودم و حالا هم بلد نیستم. حالا ۳۸ سال دارم. تقریباً می شود گفت که ۳۰ سال از زندگیم را در این کارگاه نمناک و نیمه تاریک و پیراز گرد و غبار گذرانیده ام. سواد ندارم. این نامه را هم یکی دیگر برای من نویسد و آنقدر چهار زانو روی داربست نشسته ام که زانوهایم پینه بسته است. نسف تنگی می کند. پاهایم خیلی لاغر است. نمی توانم زیاد راه بروم اگر زیاده راه بروم پاهایم دردمی گیرد. نور چشمهایم هم کم شده است. اما مجبورم که کار کنم اگر کارکنم خرج زن و ۲۰ بچه ام را چه کسی خواهد داد؟ هر قدر هم کار کنم روزی بیش از ۵۰ تومن نمی توانم بگیرم. تا چند سال پیش که قوی نبودم، زیاد کاری کردم اما حالانمی توانم. بیمه نیستم. یعنی ما بیمه نکرده اند. معلوم است که حقوق باز نشتنگی هم ندارم. اما مجبورم که کار کنم. فرسایشی که من می یافم تقریباً هر مترش ۲۵۰ تومن قیمت دارد. روزی نشتیم قیمت پشم، قیمت رنگ، قیمت لیاف ریز و درشت را حساب کردم. مزد

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

۵۸/۲/۳۰

تاریخچه جنبش کارگری جهان تشکیل اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس)

قسمت دوم:

قیام کارگران در پاریس و استقرار دولت «کمون پاریس»

در شماره قبل به اعتلای جنبش انقلابی در فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی اشاره کردیم و علسی که موجبات قیام کارگران و مردم فرانسه را فراهم آورد مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره به استقرار اولین دولت کارگری جهان (کمون پاریس) و دستاوردهای این دولت می پردازیم:

در سحرگاه روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ میلادی (۲۷ اسفند ۱۲۵۰ هجری شمسی) ارتش پروس دولت بورژوازی فرانسه، به ارتش ارتجاعی اش دستور داد تا مخفیانه خود را به تیره مونیخ در پاریس و توپخانه گارد ملی را که در اختیار کارگران انقلابی بود، به تصرف درآورد. او در نظر داشت از این طریق کارگران را خلع سلاح کند. در چنین وضعیتی دوره درپیش پای پرولتاریای (کارگران) پاریس قرار داشت:

۱- اطاعت از دستورات دولت و تسلیم اسلحهها، که در این صورت انقلاب فرانسه محکوم به نابودی بود.
۲- دست زدن به حرکت انقلابی سریع و واژگون کردن سلطه ارتجاع و نجات انقلاب فرانسه.
با آنکه کارگران پاریس هم از ناحیه ارتش ارتجاعی تی بروه هم از ناحیه توپخانه دولت پروس که پشت دروازه های پاریس سنگر گرفته بود تهدید می شدند با اینهمه بدون لحظه ای درنگ راه دوم را برگزیدند. در ساعت ۱۰ صبح ۱۸ مارس کارگران پاریس تحت رهبری کمیته مرکزی گارد ملی ارتش دولت ارتجاعی و ضد انقلابی را عقب راندند و تیره مونیخ را به تصرف درآوردند. بعد از ظهر همان روز کارگران مسلح در تیریدی دلبرانسه توانستند نقاط حساس شهر را تصرف کنند دشمن شکست خورد و ممتلاشی شده و رو به فرار گذاشت. تی بروه خود سردسته تبهکاران و جنگ افروزان بود، وقتی شکست را نزدیک دید، سراسیمه از پاریس گریخت. مقامات بلند پایه، هیئت وزیران و فرماندهان ارتش پولیس نیز که همه روحیه خود را از دست داده بودند به دنبال ارباب خود فرار برقرار ترجیح دادند. دولت ارتجاعی بورژوازی سقوط کرد. در آخرین ساعات روز کارگران ملی کارگران "شهرداری را به اشغال درآورد و برقرار آن برای اولین بار پرچم سرخ حکومت پرولتاریا به اهتزاز درآورد. پرچم سرخ نشانه آن بود که پرولتاریا و مردم پایتخت فرانسه با قهر انقلابی، دولت بورژوازی را سرنگون کرده اند.

استقرار کمون و اقدامات انقلابی آن

چند روز پس از پیروزی قیام در روز ۲۳ مارس، نمایندگان منتخب مردم در هتل "دوویل" اجتماع کردند و تشکیل اولین دولت کارگری جهان یعنی کمون پاریس را رسماً اعلام کردند. بلافاصله پس از ۱۸ مارس دولت کارگری (کمون) در برخی شهرهای دیگر فرانسه نیز تشکیل شد. این شهرها عبارت بودند از لیون، ماری، سن آنتین، تولوز، پریگنان و گردسوت. این امر بدانگر این واقعیت بود که شرایط برای وجود آمدن کمون در سراسر فرانسه آماده بود. با وجود این کمیته ها و دسوازی هائی که کمون را در امر توسعه سازماندهی در سایر نقاط داشتند باعث شده که بورژوازی نتواند بسیاری از قیامهای پراکنده را در نقاط مختلف فرانسه

جنبش انقلابی خلق نیکاراگوئه در آستانه پیروزی

اعتصابات متعدد بود. که بر علیه کمیته های آمریکائی به وقوع پیوست. پس از آنکه انتخابات سال ۱۹۲۴ تحت نظارت ایالات متحده انجام گرفت و به پیروزی لیبرال ها منجر گشت سربازان نیروی دریائی آمریکا موفناً از نیکاراگوئه خارج شدند اما کودتای محافظه کاران در سال ۱۹۲۶ به شورش لیبرالیستی زیر عنوان طرفداران قانون اساسی و تحت رهبری ژنرال خوزه ماریا مونکادا " منجر گردید. و سربازان آمریکائی بار دیگر جهت حمایت از بورژوازی محافظه کار نیکاراگوئه را مورد تجاوز قرار دادند. اما سرانجام، ایالات متحده، ناتوان از مغلوب کردن

یکی دیگر از ستونهای امپریالیسم آمریکا فرومی ریزد. مردم فیهرمان نیکاراگوئه می روند تا "آساناسیو سومورا" دیکتاتور دست نشاندۀ آمریکا را روانه زباله دان تاریخ سازند. خانواده سومورا که ۴۴ سال پیش توسط آمریکا در نیکاراگوئه به قدرت رسید، در این مدت با حمایت امپریالیسم آمریکا در نهایت دیکتاتوری در آن کشور حکومت کرده و دست به چپاول اموال و ثروت ملی خلق نیکاراگوئه زده است. اکنون مبارزه مسلحانه مردم نیکاراگوئه به رهبری جنبه آزادی بخش ساندینیستا وارد مرحله نهایی برای سرنگونی رژیم سومورا شده است. انقلابیون، بخشهای وسیعی از کشور را آزاد کرده اند و آخرین سنگرهای ارتش ضد خلقی سومورا یعنی گارد ملی در فرومی ریزد. آمریکا نیز از نیکاراگوئه فراری کند. آساناسیو سومورا حواستار حمایت بیشتر آمریکا در مقابلۀ با خلق نیکاراگوئه است. سومورا می گوید سالیهاست " دوست " آمریکا بوده و با کمونیسم مبارزه کرده است. او فریاد می زند: " طغیان مردم ملهم از کمونیستها است ". آمریکا نگران سزایت رودادهای نیکاراگوئه به کشورهای همسایه است. ... داستانی است آسانا، ولی اینبار هزاران کیلومتر دورتر. پیش آهنگان خلق در دیکتاتوری سرسیرده امپریالیسم برمی خیزند، حمله ها می آفرینند مبارزه توده ای می شود، ارتش ضد خلقی می کشد و سرانجام در هم می ریزد. آمریکا نیز فراری کند.

استقرار استعمار نو در نیکاراگوئه

بررسی مختصری که در اینجا از اوضاع اقتصادی - اجتماعی نیکاراگوئه و تاریخچه مبارزات خلق نیکاراگوئه به عمل آمده است، تماماً بر اساس سندی است که " جنبه ساندینیستا برای آزادی ملی " در ۴ ماهه ۱۹۷۷ تحت عنوان " درباره برنامه عمومی سیاسی - نظامی جنبه ساندینیستا برای آزادی ملی " تدوین گردیده است:

مبارزات کمونی خلق نیکاراگوئه یکی از انقلابی ترین مبارزات تاریخی آنهاست که توسط پیش آهنگ تاریخی شان " جنبه آزادی بخش ساندینیستا " (F.S.L.N) متحد و رهبری شده است. انقلاب خلق نیکاراگوئه از طبق ساندینیست مبارزات رهایی بخش مبین پرستان بر علیه گسترش نفوذ بانکی هادرفرن نوزدهم و تسلط امپریالیسم در قرن بیستم بیرون می آید.

نیکاراگوئه، که همراه با سایر کشورهای آمریکائی لاتین قربانی تسلط آسیانیولی ها بود، پیش از چهار قرن از تصاحب و استعمار خارجی رنج برده است. این کشور پس از استقلال از استعمارگران اسپانیایی در سال ۱۸۲۱ یکی از نخستین قربانیان تجاوز سیاسی ایالات متحده و سرمایه داری نوحاسته آمریکا بود. نیکاراگوئه با داشتن نیروی کار از ان منابع طبیعی سرشار و وجود قوانینی از قبیل حق نامحدود شرکت سرمایه امپریالیستی برای صدور سرمایه، کسب سود و آزادی خروج سود و سرمایه از کشور، محرمانه بودن سرمایه گذاری ها و معاملات خارجی و امکانات وسیع اعتبارات بانکی زمینه بسیار مناسبی برای سرمایه گذاری امپریالیستانه و ویژه امپریالیسم آمریکا است. سرمایه گذاری خارجی با ارزشی در حدود دو بیست میلیون دلار با تقریباً ۱۵۰۰ میلیون ریال (که حدود ۸۰ درصد آن آمریکائی است) در نیکاراگوئه تخصص در صنایع کشاورزی، محصولات غذایی، بانکها، مواد شیمیائی، جنگلداری، معادن و حمل و نقل متمرکز است. نزدیک به صد شرکت و موسسه خارجی در نیکاراگوئه سرمایه گذاری کرده اند. حدود ۷۵ درصد واردات نیکاراگوئه که بطور عمده ماشین آلات، مواد سوختی و تولیدات صنعتی است، از آمریکا وارد می شود و صنایع این کشور رشد یافته و وابسته به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکائی است.

وابستگی اقتصادی نیکاراگوئه پایه وابستگی نظامی و سیاسی این کشور به امپریالیسم است. پس از آنکه در سال ۱۹۳۳ اشغال مستقیم نیکاراگوئه به وسیله سربازان آمریکائی پایان یافت، طبق برنامه طرح شده به وسیله آمریکا " گارد ملی " به فرماندهی آساناسیو سومورا کارگزاران ایجاد گشت او در سال ۱۹۲۶ دست به یک کودتا در حاکم مطلق نیکاراگوئه شدند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا سلطه خود را بر این کشور حفظ کرد و از طریق شیوه استعمار نوردی طول ۴ دهه تحکیم بخشید. ۵۱۶۷ افسر و سرباز نیکاراگوئه ای بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۶ توسط مستشاران آمریکائی تعلیم دیدند. رژیم سومورا مسلطی بیش از ۲۹ میلیون دلار (حدود ۲۲۰۰ میلیون ریال) از درآمدهای خلق زحمتکش نیکاراگوئه را در ازای دریافت سلاحهای آمریکا، آموزش نظامی افسران و سایر مخارج نظامی، به انحصارات آمریکائی پرداخته است. این مبلغ با توجه به اینکه نیکاراگوئه کشور کوچکی است، سرسام آور است.

تاریخچه مبارزات خلق نیکاراگوئه

در سال ۱۹۰۹، "الابا" که حکومت را در نیکاراگوئه به دست داشت، به سبب آنکه بر سر تاسیس یک کانال احتمالی میان اقیانوس آرام و اطللس بازا این به توافق رسیده بود در همین حال جهت دریافت یک وام قابل ملاحظه با انگلستان سه مذاکره پرداخته بود. توسط آمریکا به جای او شخصی به نام "دیاز" از جناح محافظه کار بورژوازی که سخت طرفدار آمریکا بود، بر سر کار آمد. از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲ نیکاراگوئه صحنه جنگ بین بورژوازی لیبرال و محافظه کار بود و سرانجام بورژوازی محافظه کار با کمک ۲۷۰۰ تنگدار دریائی آمریکا موفق به سرکوب لیبرال ها گشت. با این حال در فاصله سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۴ نیکاراگوئه صحنه چندین قیام مسلحانه و



اکوستینو ساندینو (نفر وسط) رهبر اولین نیروی چریکی که علیه تجاوز بانکی های آمریکائی به نبرد پرداخته است.

لیبرالها، ناگزیر به مذاکره و امضای موافقت نامه صلح شد. نیروهای خلق و نیروهای پرولتری که به رهبری "اکوستینو ساندینو" نقش تعیین کننده ای در مبارزات داشتند خواستار ادامه این مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی بودند و از این رویه مبارزه خود ادامه دادند. در حالیکه بورژوازی لیبرال با برهمنیت طبقاتیش به همکاری با بورژوازی محافظه کار و امپریالیسم پرداخت، از یکسو لیبرالها به رهبری ژنرال "مونکادا" با نظارت آمریکا انتخابات سال ۱۹۲۸ توانستند کردند و از سوی دیگر چریکهای ضد امپریالیست "ساندینو" به برداشته دادند و سرانجام در سال ۱۹۳۳ موفق به بیرون راندن امپریالیسم آمریکا گشتند. این اولین "وینتام" آمریکا بود.

"دونت" آمریکا که از علیه بر نیروهای "ساندینو" چارچهر نظامی و چهره نظر سیاسی ناتوان بود، با محکومیت پس المللی و تشار بخش های وسیعی از افکار عمومی، آمریکا محبور به خارج کردن سربازان خود شد.

با حل تضاد عمده و بیرون راندن متجاوزین بانکی در سال ۱۹۳۳ محور مبارزه از اشغال مسلحانه به اشکال سیاسی غیر مسلحانه تغییر پیدا کرد. جنبش انقلابی به رهبری ساندینو " طرح مبارزه های سیاسی را برای ساختن یک قدرت انسانی و مادی ریخت که در آینده بتواند پیروزی نظامی را همراه با پیروزی سیاسی و اقتصادی بر نیروهای ارتجاعی ملی که تحت حمایت امپریالیسم آمریکا بودند، بدست آورد. امپریالیسم و ارتجاع داخلی در فوریه سال ۱۹۳۴ ساندینو را به قتل رساندند. در شرایطی که طبقه کارگر نیکاراگوئه عمدتاً بخاطر توسعه نیافتگی اقتصاد کشور، و پائین بودن سطح سازمان یافتگی و آگاهی طبقه، رشد اندکی کرده بود، فقدان یک رهبری جمعی و محدود شدن رهبری این مبارزه به یک تن یعنی "ساندینو" صدمه بزرگی بر پیشر جنبش انقلابی خلق وارد آورد. در آن زمان در حالیکه شکل عمده سازماندهی خلقی در جنبه نظامی بود، اینکه نتوان ترکیبی از هر دو شکل سیاسی و نظامی سازماندهی توده به وجود آورد، تقریباً غیرممکن می نمود. در صحنه بین المللی نیز بانکی هائی که بسیاری از فرزندان خلق نیکاراگوئه را کشتار کرده بودند، به مقابلۀ با تهدید فاشیسم آلمانی - ایتالیائی سزایی به نیروهای متحدین ملحق شدند و برای ایالات متحده اعتباری دست و پنا می کردند.

این شرایط داخلی و خارجی عمدتاً موجب شده که انقلاب توده ای ساندینیستا در فاصله سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶ روبه افول برود.

اگرچه رهبری مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاع داخلی، از سال ۱۹۳۴ به یک عقب نشینی تدریجی تن داد، لیکن مبارزات خود به خودی توده ها از حرکت باز نایستاد از مبارزات بی شمار خلق بین سالهای ۱۹۳۴ - ۱۹۵۶ می توان از تظاهرات روز اول ماه مه ۱۹۳۵ که به وسیله "گارد ملی" سرکوب شد، اعتصاب توده ای سال ۱۹۳۶ بر علیه افزایش قیمت نفت، عملیات مسلحانه کارگران لاستیک - سازی در نواحی جنوبی نیکاراگوئه در سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۸، مبارزات کارگران معادن، قیامهای دهقانی، مبارزات دانشجویی ضد سومورا در سال ۱۹۴۴ و جنبش مسلحانه ۱۹۵۴ نام برد. ادامه دارد

اتحادیه و اتحادیه سازی

بقیه از صفحه ۱۰

پالایشگاه تهران، بخش توزیع نفت - یاندرت گرفتار آن می شوند. بیماری کمبود غذا و سوء تغذیه بیماری رایج نوده های روستایی کارگران وزحمتکشان شهری ماست. بطوریکه در بسیاری نقاط طول متوسط عمر زحمتکش ایرانی (یعنی معدل طول عمر زحمتکشان آن منطقه) کمتر از ۳۵ سال است. در حالیکه سرمایه دارها و همدستان و کارگران آنها در راس دستگاها ادارات و سرگوبگر نظامی طول متوسط عمرشان بیش از ۶۰ سال است و معمولاً گرفتار نقرس و بیماری قدیمی شوند که از بیماریهای لطیف مرفه است و به ترتیب در اثر خوردن زیاده از حد گوشت و مواد قندی و چربی پروژی کند و علاوه بر این افراد در اثر عوارض پر خوری مثل سکنه قلبی ناشی از چربی بالا چاقی و کم حرکتی می میرند. انواع بیماریهای انگلی (مثل کرمک، کرم خونخوار، کرم کدو... و...) و انواع بیماریهای عفونی مزمن (مثل سل و جذام و تراخم و...) در روستاها و شهرهای ایران بیدامی کند و میلیون ها نفر از زحمتکشان راه کم خونی و ضعف، درد و عذاب دائمی دچار بیماری می شوند. بعد از اصلاحات ارضی شاه و آواره شدن روستائیان و رشد حاشیه نشینی و زندگی در رازغه های بیمارهای جدیدی روانی و گوارشی (مثل اضطراب، سوء هاضمه و زخم معده روده) در نتیجه از هم پاشیده شدن کانون خانوادگی روستائیان پیدا شده است.

از طرف دیگر اقبال تازه بدوران رسیده ای مثل واسطه ها و دلالها وارد شده است. کنگدانان کالاهای خارجی معیارهای جدیدی در خدمات پزشکی وارد کرده اند. آنها؛ آنجا که بسیار نانگنارنج هستند کادریهای پزشکی زیادی را در رشته های فوق تخصصی و لوکس برای معاینات دوره ای، بیماریهای نادر و غیر قابل علاج با صرفا بعنوان پیشکار مراکز درمانی خارج برای رفع احتیاجات طبیفه و افتخار وابسته خود بوجود آورده اند.

این مثال ها روشن می کنند که ایجاد بیمار به رابطه مستقیم وجود نشدنی با شرایط زندگی بیماران دارد و کلید موفقیت در مبارزه با بیماریها در "پیشگیری" است. و پیشگیری نیز "سپرد آسانی" در شرایط کسار، مسکن، تغذیه و استراحت کافی و آموزش بهداشتی همگانی وابسته است و سیاست های درمانی ملکت حداثاً از وضعیت بخشهای مختلف اقتصادی و میسزان عملکرد انقلابی دولت به رابطه با آنها نمی تواند باشد.

این اتحادیه نه شمره تراوشات ذهنی کسی است و نه طرحی که روی کاغذ نوشته شده باشد. بلکه اتحادیه ای است که در عمل به وجود آمده است. کارگران مبارز کارخانه تکی که در سالهای فشار و خفقان از داشتن هرگونه تشکل صنفی بی بهره بودند ضمن مبارزات اخیر خود دریافتند که شرط پیروزی در مبارزه اتحاد باشد و داشتن تشکل کارگری محکم است. به همین سبب آنها شورایی کارگری کارخانه را با انتخاب نمایندگان مبارز و آگاه به منافع طبقاتی کارگران ایجاد نمودند. نخستین اقدام شورا تصفیه کارخانه از عناصر ضد کارگری بود. آنگاه کارگرمی را که سابقاً کارفرمایان را زور سرنیزه اخراج کرده بود به کارخانه بازگرداندند.

تشنه شرایط کار و خواسته ها و گرفتاری های این کارگران، با دیگر کارخانه های تولیدکننده کبریت شهر تبریز، از جمله کارخانه "ممتاز" و "تبریز" موجب انشد که نمایندگان شورایی کارگران کارخانه تکی به دو کارخانه دیگر بروند و پس از ایجاد شورا در آن کارخانه ها جلسات مشترکی برای پی ریزی اتحادیه مشترک برگزار کنند.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت - نقویان و فور میکاسازی تکی تبریز شد و عملاً نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران رافراهم می آورد.

بقیه از صفحه ۱۰

متغیال و آسودگی و شوق و شور انقلابی به وجود آورد. پاریس فاسد دوره امپراطوری ناپلئون دوم به سرعمت ناپدید شده بود. در مقابل درو ساری کارمندان بلند پایه، سیاستمداران، مالکان ارضی و سرمایه داران به سرکردگی "تی پراچتا" کرده بودند. همچنین ژاندارها، ماموران پلیس، خبرچین ها، ماموران محفی که قیلا در خیابانها پراکنده بودند کلاهبردارها، ولگردها، روسی ها و دردهای و رسای پناه برده بودند. مارکس آموزگار پرولتاریای جهان در آنوقت فرقی میان دیکتاتوری این دو طبقه را در عبارت زیر بخوبی بیان کرد: "در پاریس همه حقیقت درو ساری همه دروغ".

در شماره بعد حمله ارتجاع به کمون پاریس، دفاع قهرمانانه طبقه کارگر و زحمتکشان را از دولت خود سراجام شکست کمون را بررسی خواهیم کرد.

در جامعه طبقاتی...

بقیه از صفحه ۱۲

بندرت گرفتار آن می شوند. بیماری کمبود غذا و سوء تغذیه بیماری رایج نوده های روستایی کارگران وزحمتکشان شهری ماست. بطوریکه در بسیاری نقاط طول متوسط عمر زحمتکش ایرانی (یعنی معدل طول عمر زحمتکشان آن منطقه) کمتر از ۳۵ سال است. در حالیکه سرمایه دارها و همدستان و کارگران آنها در راس دستگاها ادارات و سرگوبگر نظامی طول متوسط عمرشان بیش از ۶۰ سال است و معمولاً گرفتار نقرس و بیماری قدیمی شوند که از بیماریهای لطیف مرفه است و به ترتیب در اثر خوردن زیاده از حد گوشت و مواد قندی و چربی پروژی کند و علاوه بر این افراد در اثر عوارض پر خوری مثل سکنه قلبی ناشی از چربی بالا چاقی و کم حرکتی می میرند. انواع بیماریهای انگلی (مثل کرمک، کرم خونخوار، کرم کدو... و...) و انواع بیماریهای عفونی مزمن (مثل سل و جذام و تراخم و...) در روستاها و شهرهای ایران بیدامی کند و میلیون ها نفر از زحمتکشان راه کم خونی و ضعف، درد و عذاب دائمی دچار بیماری می شوند. بعد از اصلاحات ارضی شاه و آواره شدن روستائیان و رشد حاشیه نشینی و زندگی در رازغه های بیمارهای جدیدی روانی و گوارشی (مثل اضطراب، سوء هاضمه و زخم معده روده) در نتیجه از هم پاشیده شدن کانون خانوادگی روستائیان پیدا شده است.

از طرف دیگر اقبال تازه بدوران رسیده ای مثل واسطه ها و دلالها وارد شده است. کنگدانان کالاهای خارجی معیارهای جدیدی در خدمات پزشکی وارد کرده اند. آنها؛ آنجا که بسیار نانگنارنج هستند کادریهای پزشکی زیادی را در رشته های فوق تخصصی و لوکس برای معاینات دوره ای، بیماریهای نادر و غیر قابل علاج با صرفا بعنوان پیشکار مراکز درمانی خارج برای رفع احتیاجات طبیفه و افتخار وابسته خود بوجود آورده اند.

این مثال ها روشن می کنند که ایجاد بیمار به رابطه مستقیم وجود نشدنی با شرایط زندگی بیماران دارد و کلید موفقیت در مبارزه با بیماریها در "پیشگیری" است. و پیشگیری نیز "سپرد آسانی" در شرایط کسار، مسکن، تغذیه و استراحت کافی و آموزش بهداشتی همگانی وابسته است و سیاست های درمانی ملکت حداثاً از وضعیت بخشهای مختلف اقتصادی و میسزان عملکرد انقلابی دولت به رابطه با آنها نمی تواند باشد.

تشنه شرایط کار و خواسته ها و گرفتاری های این کارگران، با دیگر کارخانه های تولیدکننده کبریت شهر تبریز، از جمله کارخانه "ممتاز" و "تبریز" موجب انشد که نمایندگان شورایی کارگران کارخانه تکی به دو کارخانه دیگر بروند و پس از ایجاد شورا در آن کارخانه ها جلسات مشترکی برای پی ریزی اتحادیه مشترک برگزار کنند.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت - نقویان و فور میکاسازی تکی تبریز شد و عملاً نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران رافراهم می آورد.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت - نقویان و فور میکاسازی تکی تبریز شد و عملاً نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران رافراهم می آورد.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت - نقویان و فور میکاسازی تکی تبریز شد و عملاً نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران رافراهم می آورد.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت - نقویان و فور میکاسازی تکی تبریز شد و عملاً نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران رافراهم می آورد.

صندوق بیکاری...

بقیه از صفحه ۱۲

برای نمونه در انگلستان که جنبش سندیکائی کارگران سابقه طولانی دارد، کارگران از طریق مبارزات صنفی خود توانسته اند مسئله حقوق ایام بیکاری راه دولت سرمایه داری انگلستان تحمیل کنند. در این کشور معیشت خانوانده بیکاران از دو طریق تامین می شود: ۱- به وسیله مقرری هفتگی که بابت حق بیکاری دریافت می کنند که مبلغ آن مطابق تعرفه معین وثابته است که با بر تعداد عائله بیکار تنظیم شده است. در صورتی که فرد آماده برای کار باشد دو نام خود را در دفتر مخصوص بیکاران در هر محل ثبت کند تا زمانی که کاری بدست نیآورد، یا دولت برای او ایجاد اشتغال نکرده باشد، این مقرری بیکاری به او پرداخت خواهد شد.

۲- علاوه بر مورد اول، نسوع دیگری پرداخت کمک مالی به بیکاران متداول است که "تامین اجتماعی" نامیده می شود. "تامین اجتماعی" به مفهوم این است که اگر مقرری حق بیکاری نتواند حداقل معیشت بیکار خانوانده را تامین کند مبلغی اضافی به او پرداخت شود. به این ترتیب که با توجه به مخارجی که یک خانوانده دارد از جمله مخارج خوراکی، پوشاک و نیازات ضروری زندگی، اجازه به ایام خانسه تعداتی که فرد دارد... در صورتی که حق بیکاری کفاف این مخارج را نکند مبلغی اضافه پرداخت خواهد شد. لازم به یاد آوری است که این مبلغ اضافی تنها برای مدت محدودی پرداخت می شود یعنی حداکثر برای ۶ ماه. شکی نیست که پرداخت این مقرری به نیازمندان حوامع سرمایه داری (که بیکاری حالت خلط ذاتی نظام اقتصادی و اجتماعی را دارد) امری ناگزیر است و دولت ها مجبور شده اند در مقابل بیکاری کارگران چنین ترتیباتی را بدهند و در نظام سوسیالیستی اصولاً بیکاری وجود ندارد و نیازمندان صروفرتی هم برای وضع چنین مقرراتی نیست.

در ایران با وجود آنکه همیشه و در هر زمان تعداد زیادی بیکار وجود داشته اما از مقرری ایام بیکاری خبری نبوده است. در گذشته هرگاه کارگران خواسته اند برای کسب چنین حقوقی دست به تشکیل سندیکا و اتحادیه های صنفی بزنند یا سرکوب رژیم روبرو شده اند. در حالیکه این از حقوق اولیه هر انسان است. در حال حاضر دو میلیون بیکار در ایران وجود دارد. این بیکاران هر کدام دارای عائله یعنی زن و بچه و پدز و ما در

به مصرف همین جا برسند. وضعیت زمین و صاحب آن صاحب این زمین بایر عینی شهید زاده گودرزی" و کجیل دادگستری است که این زمین را نیز بابت وکالت گرفته است. ابتدائاً زمین را به کارخانه لاستیک سازی و روغن سازی اجاره داده بود که این کارخانه ها برای جوشاندن لاستیک و روغن از آن استفاده می کردند. بوی لاستیک و روغن سوخته سالها مردم محله را آزار می داد و بعد از یکسال شکایت توانستند زمین را از اجاره این کارخانه در آورند اما بعدتیز تفاوتی نکرد چراکه این زمین تبدیل به زباله دانی و پیناهگاهی برای

محتاجان گردید و از این طریق موجب است نارضاحتی و مزاحمت اهالی رافراهم نمود. صاحب زمین با شهرداری وابسته بود. زیرا وقتی قرار شد خیابان بسطی نظام آباد به سمتی تبدیل شود این قسمت تعریفی نشده و به علت تشکی بودن خیابان در این قسمت چند بچه در اثر تصادف با ماشین از بین رفتند.

به گفته مردم محل شهیدزاده یک زمیندار تروتمند است که به علت روابطش با رژیم گذشته زمینهای زیادی به جنگ آورده است. از جمله مقدار زیادی زمین در همین حوالی دارد و گویا مقدار زیادی زمینهای بنیاد پهلوئی هم متعلق به اوست که حاضر به فروش آنها به دولت نمی باشد. مردم با توجه به همه این دلایل مصادره زمین را واجب و انقلابی می دانستند، اما شهیدزاده اقدام به دیوار کشی زمین کرد تا شاید جلوی مصادره زمین را از سوی مردم بگیرد.

ما هالی محل تا آخرین نفس در مقابل هر کسی که بخواهد به حق ما تجاوز کند ایستادگی می کنیم. ما نخواهیم گذاشت آنها این زمین را از ما بگیرند. بچه های دیگری هم حرفها را می زدند و می گفتند به هر قیمت که شده

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

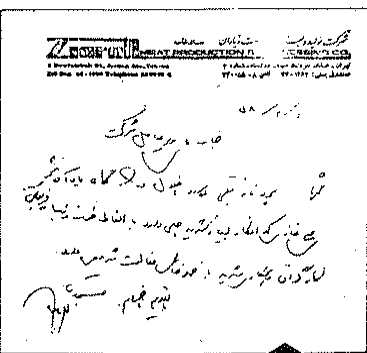
مستشاران خارجی باید اخراج گردند

دو نمونه از توطئه‌های کارفرما علیه کارگران

بوجود آورد. نامه‌هایی که اوبه مدیر عامل نوشته است از بهترین نمونه‌های این نقای افکنی‌هاست. نکته جالب توجه در این نامه‌ها این است که شخص مذکور در نامه صریحا اشاره می‌کند که آقای... که "عقاید چپسی دارد برای کارگاه و برای کشور مضر می‌باشد و نیز اینکه "کارگرهم که شعور ندارد که بفهمد وبالفاظ خوب و زیبا تحریر می‌شود". لازم به یادآوری است که ایشان در زمان سلطنت کثیف پهلوی کارگران را بدست خویش تک می‌زده و به عناوین مختلف مورد اهانت قرار می‌داده است.

مادر اینچا دو نمونه از نامه‌هایی را که توسط این مزدور سرمایه داری به مدیر عامل شرکت نوشته شده است عینا چاپ می‌کنیم تا کارگران مبارز مابینند که چگونه عوامل و ابادی سرمایه داران برای نابودکردن دست آوردهای انقلاب دست بکار شده اند و سعی دارند که موقعیت خود را برای استثمار هرچه بیشتر کارگران تقویت کنند.

کارخانه شرکت تولید و بسته بندی گوشت زیاران در یک کیلومتر ۴۵ جاده کرج - قزوین قرار دارد. در این شرکت نیز همانند سایر کارخانه‌ها شورا ایسی از نمایندگان کارگران و کارمندان برای تحقق بخشیدن به خواسته‌های به حق کارکنان تشکیل شده که از همان ابتدا با کارشناسی رئیس کارخانه و عوامل سرسپرده وی روبرو گردیده است. تاکنون شورا بکار خویش ادامه داده و حقوق حقه کارگران و کارمندان را (مانند حق مسکن، حق اولاد، خوارو بار و عیدی) با فشار از شرکت گرفته اند. همچنین نحوه فروش فرآورده‌ها را تغییر داده اند و آنها را که با قیمت بسیار نازل در اختیار نور چشمی‌های می‌گذاشتند را با قیمت روز به فروش می‌رسانند. یکی از خواسته‌های کارکنان این شرکت اخراج رئیس کارگاه است که در یکی از جلسات شورای کارکنان مورد تصویب قرار گرفت. لیکن رئیس کارگاه دست به یک حیلۀ کثیف زده است به این ترتیب که در نظر دارد بعضی از کارگران را با پول بخرد و بکمک ایادی خود سدی در برابر شورا



جناب آقای مدیر عامل شرکت
 محترما پیرو نامه قبلی در مورد داخل در کارگاه یادآوری می‌شود آقای علی‌غازی که افکار بسیار شدید چپسی دارد با الفاظ خوب و زیبا در فریفتن کارگران و همکاران خود بسیار مصلحتی فعالیت شدید می‌دارد.

باتقدیم احترام -

محترما معروض می‌دارد پس از تماس تلفنی با کارگران در مورد پرداخت هزینه مسکن و سایر مزایا صحبت شد. در ساعت ۱۲ عده‌ای از کارگران مراجعه نمودند و طبق اطلاعی که وسیله آقای کاهن کارمند فروش شرکت... به کارگاه آمده است داده شد. قرار است به کارمندان مبلغ هفت هزار ریال و به کارگران چهار هزار ریال پرداخت شود و مابین عمل اعتراض داریم. به هر طریقی بود متقاعد نموده روانه کارشان کردیم. در ساعت ۱۳/۳۰ بعد از ظهر کلیه کارگران جلو دفتر اجتماع نموده و آقای علی‌غازی کارمند حسابداری که عقاید چپسی دارد اظهار داشت بقرار اطلاع فرار شده به کارمندان ۷۰۰۰ ریال و به کارگران ۴۰۰۰ ریال پرداخت شود و این عمل درست نیست و من گفته‌ام باید ۷۰۰۰ ریال به ۴۰۰۰ ریال جمع شده نصف شود و همه پرداخت شود و کلیه کارگران را تحریک می‌نمود. کارگرهم که شعور ندارد که بفهمد طرف چه مقصدی دارد و من فکرمی‌کنم به همین دلیل... نشود چون وجود این قبیل اشخاص در کارگاه و کشور مضر می‌باشد. مقتضی است در این مورد اقدام شایسته‌ای بعمل آید تا بتدریج نسبت به چند نفر افرادی که با ایشان همکاری دارند تصمیم گرفته شود.

باتقدیم احترام -

بعلت ناخوانا بودن بعضی کلمات (....) زده شده است.

صندوق بیکاری باید حداقل معیشت کارگران و زحمتکشان بیکار را تأمین کند

بیکاری یکی از عوارض جامعه سرمایه داری است. بارش دوتگان مسل سرمایه داری بیکاری نیز مانند دیگر عوارض این نظام و بعنوان جزء جدائی ناپذیر آن بوجود آمدن ناآرامی و ناآرامی نظام همواره با آن همراه خواهد بود. اما آنچه که موجبات بیکاری دومیلیون نفر نیروی فعال جامعه ما را فراهم آورده است، علاوه بر علل اقتصادی نظام سرمایه داری به مسائل دیگری نیز مربوط می‌شود که زائیده وضع خاص اقتصادی-اجتماعی کشور ما است. مادر گذشته درباره مسئله بیکاری در کشورمان و علل آن سخن گفته ایم و در اینجا قصد نداریم مجدداً به آن بپردازیم. تنها بازم تأکید می‌کنیم که ریشه کن کردن بیکاری تنها باریشه کن شدن نظام سرمایه داری میسر است و تنها هنگامی که این سیستم پارتی‌باز و پارتی‌باز کثی فرد از فرد برقرار است جامعه از شر بیکاری درآمان نخواهد بود. در حالیکه تجربه خلقهای آزاد شده از قیدهای امپریالیسم و ستم طبقاتی، نظیر خلق ویتنام، این مسئله را به روشنی ثابت می‌کند که در جوامع سوسیالیستی از بیکاری خبری نیست.

حال که بیکاری در جامعه مانیهیز همچون دیگر جوامع سرمایه داری امری اجتناب ناپذیر است باید ببینیم چه راه حل‌هایی می‌توان پیدا کرد که لااقل

بطور موقتی و کوتاه مدت به مشکل کارگران بیکار پاسخ دهد.

کارگران جهان طی بیش از دو قرن با مبارزات خود توانسته اند قوانینی را به کارفرمایان و دولت‌های مدافع آنان تحمیل کنند. از جمله این قوانین حق اشتغال است. بموجب این حق که از دستاوردهای مبارزات کارگران است، دولت‌ها مجبور شده‌اند که اولاً برای کارگران کار ایجاد کنند و ثانیاً در صورت بیکار شدن کارگران زندگی آنها و خانواده‌شان را تأمین کنند. یعنی دولت مجبور است با اجرای برنامه‌های اقتصادی نیروی فعال جامعه را به کار بگمارد و در صورتی که نتواند برای کارگران و عموم مردم ایجاد اشتغال کند سهمی از درآمد ملی را که متعلق به تمام اقشار و طبقات خلق است، به آنها اختصاص دهد و زندگیشان را تأمین کند.

در کشورهای سرمایه داری همیشه تعداد زیادی بیکار وجود دارد. مثلاً در حال حاضر در کشورهای اروپایی عضو بازار مشترک بیش از ۶ میلیون بیکار وجود دارد و در کشورهای ایالات متحده تعداد بیکاران نزدیک به ده میلیون نفر است. همچنان که گفتیم مبارزات کارگران و ضرورت تداوم در تولید دولت‌های سرمایه داری را مجبور کرده است حداقل زندگی را برای تمام این بیکاران، با خانواده‌شان تأمین کند. بقیه در صفحه ۱۱

Zeyaran MEAT PRODUCTION & PROCESSING CO.
 P.O. Box 441084 Tehran Ghobas MEATZIAR
 تلفن: ۵۸۰۲۲۸۸
 تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۱۰
 شماره: ۵۸۰۲۲۸۸

بسم الله الرحمن الرحیم
 جناب آقای مدیر عامل شرکت گوشت زیاران
 در خصوص پرداخت حقوق کارکنان این شرکت که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۰ به کارگاه خود مراجعه نمودند و طبق اطلاعی که وسیله آقای کاهن کارمند فروش شرکت... به کارگاه آمده است داده شد. قرار است به کارمندان مبلغ هفت هزار ریال و به کارگران چهار هزار ریال پرداخت شود و مابین عمل اعتراض داریم. به هر طریقی بود متقاعد نموده روانه کارشان کردیم. در ساعت ۱۳/۳۰ بعد از ظهر کلیه کارگران جلو دفتر اجتماع نموده و آقای علی‌غازی کارمند حسابداری که عقاید چپسی دارد اظهار داشت بقرار اطلاع فرار شده به کارمندان ۷۰۰۰ ریال و به کارگران ۴۰۰۰ ریال پرداخت شود و این عمل درست نیست و من گفته‌ام باید ۷۰۰۰ ریال به ۴۰۰۰ ریال جمع شده نصف شود و همه پرداخت شود و کلیه کارگران را تحریک می‌نمود. کارگرهم که شعور ندارد که بفهمد طرف چه مقصدی دارد و من فکرمی‌کنم به همین دلیل... نشود چون وجود این قبیل اشخاص در کارگاه و کشور مضر می‌باشد. مقتضی است در این مورد اقدام شایسته‌ای بعمل آید تا بتدریج نسبت به چند نفر افرادی که با ایشان همکاری دارند تصمیم گرفته شود.

باتقدیم احترام -



مادران شهیدای فدائی خلق در مراسم بزرگداشت ۸ تیر دانشگاه تهران برای خلق قهرمان ایران پیام می‌فرستند.

مردم محله نظام آباد ۱۵ هزار متر زمین یک زمینخوار را مصادره کردند

شده و تعدادی درخت و وسایل بازی در آن فرار داده شد. مردم پس از تصاحب زمین بلاکاری را نصب کردند که روی آن نوشته شده بود "پس از ۲۵ سال مردم ازاری، یادبوار کشیدن کارپاکسازی انجام نمی‌شود. این زمین باید پارک کودکان گردد.

یکی از کسبه محل می‌گفت: مردم اینجاکه بیشتر کارگر هستند از یک تومن تا حداکثر صد تومن پول رویهم گذاشتند تا حدود ۶ هزار تومن جمع شد و توانستیم این پارک را به این صورت درآوریم. باید بگویم که تنها وسایل پارک تعداد نسبتاً زیادی نهال‌سبز و چند تاب و سرسره می‌باشد. این پارک هنوز خیلی نقص دارد. زمینش اسفالت نشده و دیوارکشی نشده، آب ندارد. کتابخانه ندارد و خیلی چیزهای دیگر. مردم محل از شهرداری خواسته‌اند عوارضی را که از این محله جمع می‌کند بقیه در صفحه ۱۱

زمین بایر که ۲۵ سال موجب آزار مردم شده بود تبدیل به پارک کودکان شد.

پارک آزادی این روزها برای چه ها و نوجوانان محله نظام آباد تهران نامی آشناست. نامی که تجلی کارورویحیه انقلابی ساکنان محله نظام آباد است. این پارک که دو ماه پیش به همت و کوشش اهالی محلی برپا شده قطعه زمین بزرگی است که قبلاً متعلق به یک زمینخوار بوده و به پشتوانه نیروی انقلابی مردم تبدیل به پارک عمومی شده است.

نظام آباد مانند بیشتر محلات ایران فاقد مراکز اجتماعی و تفریحی است و مردم که از سال‌های پیش امکانات مناسبی را برای برپا کردن چنین مراکزی می‌دادند پس از پیروزی قیام تصمیم گرفتند زمین ۱۵ هزار متری را تبدیل به پارک عمومی کنند.

این زمین که در اواسط خیابان نظام آباد قرار دارد به وسیله مردم پاکسازی

در جامعه طبقاتی بیماری طبقات مختلف با هم فرق دارد

درمی‌آید. اصولاً در جامعه طبقاتی بیماری طبقات مختلف با هم فرق دارند و پیش‌آگهی آنها (منظور پیش‌بینی آینده بیماری و بیمار از نظر و خاست یا امید به بهبود اوست) بستگی به شرایط زندگی و امکانات آنها مثل وضع تغذیه، محل کار و مسکن و راحتی خیال و تأمین آتیه آنها دارد. مثلاً بیماریهای شغلی ریوی (مربوط به ریه‌ها) مخصوص کارگران معدن و کشاورزان است. ولی صاحبان معدن و فنو دالها بندرت دچار آن می‌شوند. بیماری نریمی استخوان (راشی تیسیم که در اثر تنبید آفتاب به بدن بروز می‌کند) مخصوص قالیباف‌هاست و لسی بندرت به سراغ تاجران فرش می‌رود. بسیاری از سرطانهای پوستی و پستان داخلی (مثل سرطان مثانه) گریبان کارگران صنایع (مثل صنایع رنگ‌سازی) یا کشاورزان را می‌گیرد ولی سرمایه داران صاحبان آن کارخانه‌ها یا زمینداران

طب ملی بعد از ظاهر شدن در متن نظام موجود مانند گلی که در شوره زار برپوشد بزودی پژمرده خواهد شد و خواهد مرد. ما معتقدیم که فقط آن راه حل‌هایی وضع طبابت را درست می‌کنند که در رابطه با تغییرات انقلابی در زیربنای اقتصادی کشورمان باشد و گرنه تا زمانیکه تصمیمات قاطع و انقلابی در مورد صنایع و اراضی و بانکها و... گرفته نشود، توده‌های تحت ستم همانقدر از آشفتگی کار درمان و بهداشت زجر می‌کشند که از استثمار و ستم بی‌حد و مرز زمینداران و کارفرمایان خود رنج کشیده‌اند. و اصولاً سرنوشت طب و طبابت جدا از جریانات دیگر سرمایه داری وابسته نیست و دقیقاً تمام عوارض و عواقب این وابستگی را، از وابستگی تکنولوژیکی و برنامه آموزشی دانشکده‌های پزشکی گرفته تا وابستگی کارخانه‌های داروسازی به همراه دارد. (مثلاً داروهای تولید داخلی در کشورهای وابسته درست مثل دیگر تولیدات مونتاژی قبیل پیکان از آب

خدمات پزشکی در کشور ما خواه ناخواه تابع شرایط نظام سرمایه داری وابسته است و بنابراین خواه ناخواه معیار سرمایه گذاری و منفعت طلبی در بازار درمان نیز حاکم است. و قتیکه روابط سرمایه داری بر زندگی اقتصادی - اجتماعی یک جامعه حاکم باشد، که سار بهداشت و درمان آن نیز دارای مشخصات یک بازار آشفته و بی‌نظم و ترتیب و سوداگرانه خواهد بود چرا که این در ذات نظام سرمایه داری است. مسلماً آشفتگی و منفعت طلبی در کشورهای با اقتصاد سرمایه داری وابسته به مراتب بیشتر است.

بنابراین تا زمانیکه صنایع مهم و اصلی ملی نشده‌اند و کارگران از قید استثمار سرمایه داران وابسته آزاد نشده‌اند، تا زمانیکه اصلاحات ارضی واقعی اجرا نشده است و دهقانان صاحب زمین نشده‌اند، سخن گفتن از طب ملی به خواب و خیالی خوش شباهت خواهد داشت و مسلماً این

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش